

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۲ دی ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - قرائت ورقه استیضاح آقای امیر تیمور
- ۳ - بقیه شور در لایحه قانونی اصلاح قانون مطبوعات
- ۴ - معرفی آقای سید احمدی بوزارت جنگ از طرف آقای نخست وزیر
- ۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس یکساعت قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز پیش را آقای (طوسی) منشی خواندند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری ندست؟ (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد

[۲ - قرائت ورقه استیضاح آقای امیر تیمور]

رئیس - بر طبق ماده چهل و چهار نظامنامه داخلی ورقه استیضاحی که رسیده است قرائت میشود:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی - در نتیجه سوء اداره و تدبیر اجتماع سه شنبه ۱۷ آذر در مجلس شورای ملی بوجود آمد و بدتر از آن برای اولین دفعه در ایران برادر کشی آغاز و آنطوریکه شنیده میشود عده در حدود چهل نفر زن بچه محصل بیوه زن و عابر سبیل مقتول و در حدود یکصد و سی نفر از عابریان نیز با شلیک مسلسل و مترالیوز زخمی و مجروح که جامعه حساس ایرانی دچار

بخت و حیرت و مصیبت و مانم شده و منتظرند به بینند که از مسبین چگونه بازخواست میشود و نظر باینکه جرائد هم که طبق قانون اساسی در حکومت مشروطه ایران همیشه آزاد بوده و مصلحت کشور است که برای نشر حقایق آنرا بمانند برخلاف قانون بامر آقای احمد قوام توقیف و لطمه و بدعت تازه بمشروطیت ایران وارد که مسبب آن نیز باید شدیداً مؤاخذه و بازخواست شود و نظر باینکه آقای احمد قوام آن قسمت از برنامه دولت را راجع بتأمین آنوقه و ارزاق عمومی واستقرار امنیت بنحو مطلوب انجام نداده و علاوه سطح زندگانی طوری متصاعداً در این مدت بالا رفته که برای بسیاری از طبقات مردم مشکل و طاقت فرسا

* * عین مذاکرات مشروح یکصد و نوزدهمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

فائین بی اجازه - آقایان: دکتر سمعی - منصب - مرآت اسفندیاری - تولیت - سزاوار - شاهرودی - شیردوانی - ناصری - ملک زاده آملی اکبر - امیر ابراهیمی - هزه تاش - دکتر سنگ - فاطمی - دبستانی - آصف - صادق وزیر - دولتشاهی - مقدم - پناهی - مستشار - دشتی کامل ماکو .

گرفته و نتیجه امنیت هم باینجا منجر است که بامسلسل و مترایوز مردمان بی گناه و عابرین سبیل و هسپار دیار عدم و نیستی و برادر کشی آغاز بشود لذا برای موارد مذکور و بسیاری از مطالب دیگر که در موقع خود گفته خواهد شد آقای احمد قوام را استیضاح و تمنا دارم مقام ریاست وقت روز استیضاح را تعیین و در جلسه رسمی مجلس شورای ملی اعلام فرمایند - امیر تیمور .

رئیس - این عبارتی که نوشته اند برای بعضی مسائل دیگر و انحصار نکرده اند داخل میشود یا نمیشود؟ استیضاح را البته اول معین باید کرد بعلاوه مطابق ماده ۴۴ نظامنامه بایستی مجلس شورای ملی این پیشنهاد را قبول بکند مجلس اگر اجازه میدهد که قبول بشود

تهرانچی - مجلس قبول میکند .

طباطبائی ماده را بفرمائید قرائت کنند .

رئیس - قرائت میشود :

ماده چهل و چهارم - هر نماینده که از وزیر میخواهد استیضاحی نماید باید تقاضای خود را کتباً بر رئیس داده و موضوع استیضاح را در ضمن معین نماید . رئیس آن را در مجلس قرائت می کند و مجلس باید آن تقاضا را قبول نموده و پس از آنکه از اظهارات وزیر یا وزراء در باب تعیین روزی که استیضاح باید بعمل آید مستحضر شد بدون مباحثه در اصل موضوع قرار روز استیضاح را بدهد .

استیضاحاتی که در باب امور سیاسی داخلی مملکت است نباید بیش از يك ماه بعهده تعویق بماند .

جمعی از نمایندگان - مطرح نیست . طبق نظامنامه باید عمل شود .

عده از نمایندگان - باید ررزش معین شود .

تهرانچی - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید .

تهرانچی - این جا در ماده ۴۴ نوشته شده است مجلس باید آن تقاضای را قبول نماید و این البته معنایش این است که مجلس قبول میکند و روزش را بعد دولت تعیین می کند

و در مجلس اعلام می شود و همان روز استیضاح میشود .
رئیس - بعد از قبول مجلس .

تهرانچی - نه خیر قربان . نوشته است باید مجلس قبول نماید وقتی که قرائت شد باید مجلس قبول کند و روزش اعلام شود .

اعتبار - اجازه می فرمائید ؟

رئیس - بفرمائید .

اعتبار - مطلب همانطوری است که آقای تهرانچی می فرمایند استیضاح از وزراء در هر روز و هر ساعت ممکن است و البته مجلس آن را قبول شده تلقی میکند و آقای رئیس محترم مجلس بدولت می نویسند و آن استیضاح را میفرستند برای دولت دولت هم بایستی بیاید بمجلس و روزی که می خواهد برای آن استیضاح معین نماید . (صحیح است)

جمعی از نمایندگان - دستور دستور .

۳ - بقیه شور در لایحه قانونی اصلاح قانون مطبوعات

رئیس - بطوریکه خاطر آقایان مسبق است در پیشنهادها مذاکره بود بعضی از پیشنهادها هم خوانده شد بعضی دیگر هم که خوانده نشده حالا خوانده میشود و آخرین پیشنهاد مال آقای مسعودی بود که خوانده میشود :

بنده پیشنهاد مینمایم که در ماده اول عبارت ممکن مالی حذف شود .

رئیس - در پیشنهاد آقای مسعودی توضیحات لازم داده شده دیگر توضیح لازم نیست . رأی گرفته میشود به پیشنهاد ایشان آقایان موافقین برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد . پیشنهاد عده از آقایان :

این جانبان پیشنهاد مینمایم که ماده اول باین طریق اصلاح شود :

از تاریخ تصویب این قانون کسانی می توانند صاحب امتیاز یا مدیر یا سردیر روزنامه یا مجله باشند که علاوه بر شرایط مقرر در قانون مطبوعات مصوب ۶ محرم ۱۳۲۶ صلاحیت آنان را از لحاظ ممکن مالی که در حدود اداره کردن شش ماه مجله یا روزنامه یا مجله که می خواهند منتشر نمایند و

سرمایه علمی در حدود شش متوسطه خواهد بود شورای عالی فرهنگ بارعبایت نوع روزنامه یا مجله که تقاضا می کنند و رستمی که در آن خواهند داشت تصدیق نماید صاحبان امتیاز و مدیران و سردیران فعلی روزنامهها و مجلات نیز مشمول این قانون میباشند باستثناء اشخاصی که لااقل پنجسال سابقه روزنامه یا مجله نویسی داشته اند و هیچکس نمی تواند بیش از يك امتیاز روزنامه و يك مجله داشته باشد .

تبصره ۱ - هر تقاضای امتیاز روزنامه یا مجله از تاریخ وصول بدفتر وزارت فرهنگ بیش از ۱۵ روز نباید طرحش در شورای عالی فرهنگ بتأخیر افتد .

تبصره ۲ - آئین نامه شورای عالی فرهنگ باید بانظر کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی اصلاح شود .

تهرانچی - مؤید احمدی - هراز - لاریجانی - مسعودی خراسانی - سلطانی - طوسی - دکتر تاج بخش .

تهرانچی - اجازه می فرمائید توضیح عرض کنم ؟

رئیس - بفرمائید .

تهرانچی - عرض کنم که البته در اینکه قانون مطبوعات یعنی قانون مطبوعات فعلی ما احتیاج بیک اصلاحاتی دارد هیچکس گمان نمی کنم منکر باشد ولی باید دید قانونی که آورده اند و آقای وزیر کشور که می فرمایند مابین دولت خواسته است قانون قدیم را زنده کند البته قانون قدیم یعنی هر قانونی که نسخ نشده است زنده است و احتیاجی ندارد که زنده اش کنند زیرا آن قانونی که لغو نشده و از بین نرفته است زنده است و این قانونی که حالا آورده اند البته اگر حدودی داشت و نشان میداد که . . .

مشار - که هر چه دلشان می خواهد بنویسند .

تهرانچی - اجازه بفرمائید آقای مشار بحضرتعالی عرض میکنم البته هیچوقت بنده راضی نیستم هیچکس هم راضی نیست که کسی بتواند قلم در دست بگیرد و باشخص توهین کند یا فحش بنویسد یا بد بگوید (صحیح است) ولی باید دید آیا این قانونی را که آورده اند جلو گیری از آن اشخاص هتاک میکند و بد گوئی آنها را از بین میبرد ؟

تقریباً میشود گفت اینطور نیست زیرا اصلاً تعیین نکردند اما حدود ممکن مالی و غیره را و باید شورای عالی فرهنگ صلاحیت اشخاص را تصدیق کند مثلاً شورای عالی فرهنگ يك وقت ممکن است کسی را که دارائی او صد تومان است و صد تومان دارائی مالی داشته باشد تصدیق بکند ممکن او را بگوید درست است و میشود این کار را کرد و امتیاز داد ولی يك کسی را که دارای صد هزار تومان است بگوید درست نیست و با این ترتیب دلخواه بودن ممکن است فردا يك کسی که هتاک باشد فحش دهنده باشد باو امتیاز بدهند و باشخصی که واقعاً عفیف باشند بدهند و این نمیشود اگر قانون و قانونگذار نظرش جلو گیری از عدم صلاحیت باشد باید این را بطور صحیح معین کنند که همانطور هم اجرا شود مخصوصاً اجرائیات در مملکت ما در قوانینی که خوب هم وضع میشود تازه در اجراش چه عرض کنم چه میکنند و در مواقع اشکال داشته است و چه قدر عمل فرق دارد با آنچه را که تصویب شده است تا چه رسد بیک همچو قانونی که اصلاً معلوم نیست حدود ممکن مالی و حدود صلاحیت علمی و حدود اخلاقی چیست و چه قدر است مثلاً اگر حدود صلاحیت اخلاقی را این طور بخواهند عملی کنند که هر کس يك امتیازی تقاضا میکند از او تقاضای ارائه ورده عدم سوء سابقه بکنند؟ اگر این است که الان هم اجرا میشود اگر غیر از این است پس این چه حدی دارد برای صلاحیت اخلاقی چه حدودی را میشود فرض کرد؟ و چگونه میشود این را تعیین کرد؟ پس هر کس را بخواهند خواهند داد هر کس را هم که نخواهند بدهند پس باید حدود اینها در قانون تعیین و تصریح شود و هیچ نظری هم نباید داشت که دولت فعلی کیست و دولت بعدی که خواهد بود باید رعایت قانون را کرد و باید در قانون تصریح کرد تعیین کرد همینطور که نوشته شده است ممکن اخلاقی این کافی نیست باید تصریح کنند که این چه حدودی دارد و این قانون معلوم نیست در صورتیکه الان هر کس بخواهد تقاضای روزنامه بکند از او گواهی نامه عدم سوء سابقه

می خواهند و چون این را می خواهند این کافی است برای صلاحیت اخلاقی این است که ما در این پیشنهاد از صلاحیت اخلاقی ذکر نکردیم اما آمدیم سر تمکن مالی و یکی هم صلاحیت علمی عرض کنم این دو تا را وقتی که البته یک حدودی برایش تعیین کردید بیشتر و بهتر میشود جاسوی سوء استعمال و سوء استفاده را گرفت نه اینکه مخیر باشند بهر کس که مایل باشند بالاتر را ندهند و پائین تر را اگر بخواهند بدهند این است که ما اینجا حدود صلاحیت علمی را معین و محدود کردیم بشش متوسطه یعنی در حدودش متوسطه باشد البته ممکن است اشخاصی باشند فاضل تر هم باشند و از معلوماتش متوسطه معلومات بیشتری داشته باشند ولی تصدیق نداشته باشند این جا نباید البته تصدیق مالاک بشود و نوشتیم در حدودش متوسطه تمکن مالی را هم نوشتیم در حدود اداره کردن شش ماه آن روزنامه یا مجله که میخواهد منتشر کند این را که داشته باشد البته یک حدی است کش دار هم نخواهد بود اما راجع بقسمت تبصره هائی که پیشنهاد کردیم. شورای عالی فرهنگ که در این جا تعیین شده است صلاحیت را معین بکند البته حالا هم معمول به است خود آقای وزیر فرهنگ هم دیروز در پشت این تریبون فرمودند که الان یک ماه است ۱۸۰ تقاضا رسیده است و امتیاز نداده اند. چرا نداده اند ملاحظه فرمودید؟ پس معلوم شد برخلاف قانون نداده اند یعنی چند ماه در وزارتخانه یا در شورای عالی فرهنگ مانده است و نداده اند حق هم نداشته اند مطابق قانون معطل کنند و ندهند در صورتی که قانونش هم هست و نقض آن قوانین هم بمجلس شورای ملی نیامده است با این حال فرمودند اینجا که نداده اند در این صورت بعد از این هم میشود این کار را کرد من هیچ کاری ندارم به وزیر معارف فعلی یا وزیر معارف قبلی یا آن وزیر که بعد میآید من هیچ نظری فعلاً باشخاص ندارم و یا نظر خاص ندارم. عرض میکنم اگر وزارت فرهنگ هیچ تقاضائی را اصلاً نبرد شورای عالی فرهنگ آه وقت چه میشود؟ اصلاً شورای عالی فرهنگ تشکیل میشود یا نه؟ از قراری

که بنده اطلاع دارم مدتی است تشکیل نشده و یک عضو هائی هم دارد که البته بنده نمیدانم افتخاری هستند یا غیر افتخاری که گاهی میآیند گاهی هم نمیآیند و از قراریکه باز بنده شنیده ام بعضی ها که گاهی تشریف نمیآوردند اختیار میدهند آقای وزیر برای رأی شان. اینرا البته بنده شنیده ام که آئین نامه این شورا طور است که میشود بوزیر اختیار بدهند این است که تمام این قسمتها را هم در این پیشنهاد بطور تبصره نوشتیم که اولاً هر تقاضای امتیازی بیش از ۱۵ روز نباید طرحش در شورای عالی فرهنگ بتأخیر بیفتد و ثانیاً آئین نامه شورای عالی فرهنگ هم اصلاح بشود که فردا فلان عضو و فلان عضو نتواند بنویسد من نمیتوانم بیایم و بنویسند که اختیار با مقام وزارت است و آقای وزیر میشوند چهار نفر ...

رئیس - یک قدری توضیح را مختصر تر بفرمائید.

تهرانچی - بنده ناچارم توضیح بدهم ...

رئیس - مختصر تر بفرمائید.

تهرانچی - عرض کردم بنده چاره ندارم در هر يك از این موضوعات بایستی توضیح بدهم.

رئیس - ماده ۶۳ را هم رعایت بکنید

تهرانچی - میفرمائید نگوییم؟ من چیزی نگفتمه می نشینم

رئیس - بفرمائید ولی مختصر

تهرانچی - اینست که ما در اینجا پیشنهاد کردیم بطور تبصره که آئین نامه هم باید اصلاح شود با نظر کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی که اگر يك همچو چیز هائی هم هست اصلاح شود در آن زیرا این آئین نامه متناسب با وضعیت آن روز بوده است یعنی اواخر دوره اعلیحضرت پهلوی بوده است و البته دیکتاتوری بوده است و تناسبی با آن دارد نه با امروز و البته باید اصلاح شود و این کیفیات از آن برداشته شود از طرف دیگر هم گفتیم هر تقاضائی که بوزارت فرهنگ راجع بامتیاز مجله یا روزنامه میرسد از تاریخ وصول نباید طرحش در شورای عالی فرهنگ بیش از

۱۵ روز بتأخیر بیفتد زیرا ممکن است که تقاضا بیاید و وزارت خانه در طرح آن اقدام نکند و بماند و نیز آنچه را که بنده خودم شخصاً در خاطر دارم قبلاً در آن موقعی که شورای عالی معارف اولی تأسیس شد رئیس شورا از بین خود اعضاءشان انتخاب میشد بعد آمدند و وزیر فرهنگ را رئیس شورای فرهنگ کردند در صورتیکه بعقیده بنده اصل درست همان اصل اولی بود که شورای عالی معارف باید همیشه رئیسش را خودش انتخاب کند در این اصلاحی که شد نمیدانم در اواخر وزارت آقای حکمت یا اوایل وزارت آقای مرآت بود این اصلاح غلط و سایر چیز هائی که در این آئین نامه شده باید اصلاح بشود خلاصه رئیس شورا باید حتماً از خود اعضاء شورای فرهنگ انتخاب شود.

عده از نمایندگان - رأی رأی

وزیر فرهنگ - (آقای دکتر سیاسی) بنده فقط راجع بشورای عالی فرهنگ که اشاره فرمودند توضیح عرض میکنم که: بنده اولاً عرض نکردم ۱۸۰ تقاضا شده و من نداده ام برای اینکه وزیر فرهنگ که امتیاز روزنامه نمیدهد امتیاز روزنامه با شورای عالی فرهنگ است و شورا مطابق قانون میدهد اینکه عرض کردم داده نشده است نه اینکه نداده اند داده نشده است یعنی شورای عالی فرهنگ نخواست است و مقتضی ندانسته است و نخواست است بموجب حقی که داشته است امتیازاتی را بدهد بجهت اینکه قانون امتیاز روزنامه و مجله را بشورای عالی معارف داده و جزو وظایف شورا قرار داده است ...

تهرانچی - تشکیل نشده است

وزیر فرهنگ - تشکیل شده است یا نشده است این

تقاضاها بشورای عالی فرهنگ بوقته است ...

تهرانچی - خودتان فرمودید ندادیم

وزیر فرهنگ - رفته است بشورای عالی فرهنگ و

روی مقتضیات وقت و اوضاع جهان مقتضی ندیده است که در شهر تهران که سی چهل روزنامه منتشر می شد بطوریکه

ملاحظه فرمودید صد و هشتادتا روزنامه هم منتشر شود. در هر حال شورای عالی معارف از حق خودش استفاده کرده است و نداده است

تهرانچی - خودتان فرمودید ندادیم

وزیر فرهنگ - چون عنوان شورای عالی فرهنگ را فرمودند بنده هم يك نفر هستم و يك رأی داشته ام و اما اینکه تشکیلات شورای عالی فرهنگ را نظر داشتند البته هر طور مجلس شورای ملی تصمیم بگیرند چون تشکیلات شورای عالی فرهنگ بموجب قانون مصوب مجلس شورای ملی داده شده است بعنوان قانون شورای عالی معارف حال اگر قانون شورای فرهنگ ناقص میدانید و تصور می فرمائید باید تغییر کند کسی مخالفتی ندارد مامطیع هستیم تغییر بدهید بفرمائید وزیر فرهنگ اصلاً حق رأی ندارد در آنجا کسی مخالف نیست ولی تا کنون شورای عالی معارف مطابق وظیفه اش رفتار کرده است و بهیچوجه هم غفلت نکرده اند وزیر فرهنگ هم هیچوقت سه چهار تا رأی توی جیبش نبوده است یکی از آقایان نمایندگان آقای نراقی که عضو شورای عالی فرهنگ هستند و با این قانون هم مخالف هستند حاضرند و تصدیق خواهند فرمود که همچو چیزی نیست و وزیر فرهنگ هم هیچوقت چهار پنج تا رأی در جیبش نگذاشته است.

جمعی از نمایندگان - رأی رأی

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای تهرانچی و آقایان دیگر آقایان موافقین برخیزند (عده کمی برخاستند) رد شد پیشنهاد آقایان: فیاض و مؤید ثابتی:

پیشنهاد می کنیم قسمت اول ماده اول بقرار ذیل نوشته شود:

از تاریخ تصویب این قانون کسانی می توانند امتیاز روزنامه و مجله داشته باشند که در یکی از رشته های ذیل: علوم اجتماعی فلسفه - ادبیات - حقوق دارای درجه دکتری باشند در صورتیکه در یکی از رشته های دیگر دارای درجه دکتری باشند ممکن است در همان رشته بخصوص اجازه طبع روزنامه یا مجله داده شود.

فیاض - عرض کنم که قدر مسلم این است که روزنامه نویس باید سواد داشته باشد مخالف و موافق در این قسمت گمان نمی کنم نظری داشته باشند. صحبت در سر تعیین حد سواد بود يك پیشنهادی آقای تهرانچی و عده از آقایان داده بودند که دیپلم متوسطه و در حدود شش متوسطه باشد و این حد را مآخذ قرار داده بودند در صورتیکه بنده تصور میکنم مقام روزنامه نگاری خیلی بالاتر از این است که با دیپلم شش متوسطه بشود روزنامه منتشر کرد.

نراقی - روزنامه نویس از مقام وزارت که بالاتر نیست **فیاض** - در صورتیکه امروز غالب شاگردهای مدارس لااقل دارای دیپلم لیسانس هستند بنابراین بنده تصور میکنم شش متوسطه کافی نباشد پیشنهاد هم رد شد از آن طرف برای تعیین صلاحیت روزنامه نویس عبارت تصویب برای شورای عالی فرهنگ خیلی مبهم است ملاحظه بفرمائید عبارتی که در ماده هست این است: صلاحیت آنان را از لحاظ تمکن مالی و سرمایه علمی و اخلاقی شورای عالی فرهنگ با رعایت نوع روزنامه یا مجله که میخواهند منتشر کنند و سمتی که در آن خواهند داشت تصدیق نماید.

این جمله ابهام دارد و بنده تصور میکنم حدی باید برایش معین شود و اگر حد این را در کسرا قرار بدهیم خیلی کار راحت تر و سهل تر و آسان تر میشود و این محاسنی دارد یکی اش این است که اولاً کار بکارداران سپرده میشود روزنامه نویسی آقا يك مواد علمی لازم دارد که همشاش توی این چهار رشته ایست که پیشنهاد شده مثلاً فرض بفرمائید یکی از وظایف مهم روزنامه نویسی انتقاد است و این جزو مسائل نظری است و این قبیل مسائل را فقط در مدرسه و درس و بحث و تحقیق باید انسان فرا بگیرد و رویش فکر بکند و واقعاً این همه که صحبت شد در اینجا راجع بتعیین حد معلومات بنده تصور میکنم که روزنامه نویس باید يك مقدار زیادی از این حسد که معین شده بود معلومات و سواد داشته باشد چون مقام شاخشی است این يك فایده فایده دیگرش هم این است که دکترا که در واقع این

کار مال آنها است میروند و تحصیل میکنند و تحقیق بیشتر میکنند و عده اشخاص فاضل زیاد میشود و این عده تشویق میشوند و جوانها برای تحصیل علم تشویق میشوند و خدمت میکنند باین رشته که یکی از شئون اجتماعی يك ملت است و امتیاز روزنامه از امروز بکسانی داده میشود که تحصیل کرده و زحمت کشیده باشند یکی دیگر از فوائدش هم این است که رفع این ابهام ها میشود این بود نظر بنده حالا بسته است برای مجلس که آقایان با این پیشنهاد موافقت بفرمایند.

جمعی از نمایندگان - رأی رأی .

دشتی - اجازه بفرمائید پیشنهاد بنده هم خوانده شود چون باین پیشنهاد يك تفاوتی دارد بعد با هم رأی بگیرید

معدل - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید .

معدل - البته این آقایانی که این پیشنهاد را داده اند قطعاً سوء نیتی ندارند ولی بنظر بنده يك تضییقی هم برای روزنامه نویسی نباید قائل شد روزنامه نویسی غیر از تمام معلوماتی که فرمودند ذوق هم درش تأثیر دارد منظور دولت هم از آوردن این لایحه بمجلس شورای ملی هیچگونه تضییقی برای ارباب مطبوعات و صاحبان قلم نیست و بنده تصور میکنم صلاح در این باشد که خود آقایانی که این پیشنهاد را داده اند و قطعاً هم بنظر بنده از این لحاظ داده اند که احترامی بآرباب قلم و مطبوعات کرده باشند تصدیق بفرمایند که این يك سدی است در جلوی آنها و مجلس شورای ملی میخواهد يك احترامی بمطبوعات بگذارد و میخواهد پاك کند آن چیزهایی را که در اطراف آنها شاید بعضی ها میگویند. باین جهت ما نباید يك اشکالی برای آنها فراهم کنیم بنده تمنا میکنم از پیشنهاد دهندگان پیشنهادشان را پس بگیرند تا ما وارد در این بحث نشویم که موافق و مخالف حرف بزنند بگذارید دولت تا آن حدی که برای مردم مقدور است حدودی در شورای عالی فرهنگ معین کنند که ممکن باشد یعنی لازم باشد برای اینکار و این قدر امروز لازم نیست .

دشتی - پیشنهاد بنده را هم بخوانید .

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی خوانده میشود .

من پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور اصلاح شود :

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون علاوه بر شرایط

مقرر در قانون مطبوعات مصوبه ۶ محرم ۱۳۲۶ صلاحیت مالی و علمی بدستور ذیل لازم شمرده میشود :

۱ - صلاحیت مالی روزنامه های یومیه در حدود دوماه

مخارج طبع و نشر آنها و مجله های ماهیانه در حدود شش

ماه و نامه های بین نامه های یومیه و ماهیانه در حدود چهار ماه

۲ - تقاضا کنندگان امتیاز اگر درجه لیسانس در

حقوق یا ادبیات ندارند شورای عالی فرهنگ چند موضوع

اجتماعی و سیاسی را معین کرده و تقاضا کننده فی المجلس

یکی از موضوعها را انتخاب کرده و در آن مقاله تهیه

میکند چنانکه از عهده برآمده بود ذی صلاحیت شناخته

میشود :

تبصره - اگر تقاضا کننده امتیاز خود صلاحیت ادبی

و علمی را فاقد باشد با معرفی سردبیری که صلاحیت فوق را

داشته باشد میتواند امتیاز بگیرد .

صاحبان امتیاز ... الخ

دشتی - بنده چون دیر نزبدم و ناخوشی بودم نتوانستم

که در مجلس شورای ملی حضور پیدا کنم و در این لایحه

صحبت کنم لایحه هم بنظر من فوق العاده مهم است اگر

مجلس شورای ملی اجازه بدهد يك خورده مفصل تر عرض

بکنم

جمعی از نمایندگان - بفرمائید . بفرمائید .

دشتی - اگر خاطر آقایان باشد در هشتم آبان ماه

سال گذشته مرحوم فروغی لایحه ای آوردند بمجلس شورای

ملی که راجع بهمین موضوع روزنامه ها بود یعنی دو مطلب

داشت یکی راجع بروزنامه ها بود یکی هم راجع باختیار

دولت بود برای تبعید کردن اشخاص این لایحه در روز

آخر مجلس دوازدهم آمده بود و در مجلس خصوصی مطرح

شد بنده در آنجا مفصلاً صحبت کردم و حالا هم يك خلاصه

از آن را این جا عرض میکنم و آن راجع با اهمیت مطبوعات است . مطبوعات را نباید بطور سبک و بطور جلف و خلاصه يك دستى در نظر گرفت و با يك شکل خیلی بدی با آنها معامله کرد حالا علتش را هم عرض میکنم . معروف است که میگویند در حکومت های مشروطه سه قوه وجود دارد قوه قضائیه قوه مجریه و قوه مقننه حالا يك عده زیادی هم از مردمانی که مطالعات زیادی دارند معتقدند يك قوه چهارمی هم هست و در حکومت های ملی چهار قوه هست و آن چهارمی قوه مطبوعات است و معتقدند که قوه مطبوعات مهم تر و عظیم تر از قوه مقننه و قوه مجریه و قوه قضائیه است چرا ؟ برای اینکه قوه مطبوعات قوه افکار عمومی است از این نظر که هم میتواند در افکار عمومی تأثیر کند و افکار عمومی را به نحوی که بخواهد ایجاد کند و هم اینکه نماینده افکار عمومی است یعنی آن افکار عمومی هر طوری که هست آن طور آنرا نمایش میدهد باین دلیل قوه مطبوعات مافوق سایر قواست یعنی هم مؤثر در قوه مقننه و مجلس میشود و هم مؤثر در دولت میشود و هم مؤثر در قوه قضائیه میشود . این کاملاً ثابت شده است در ممالک دموکراسی کاملاً مشهود است که گاهی مطبوعات مؤثر در افکار مجلس میشود و رأی و نظر و فکر مجلس را تغییر میدهد گاهی در محاکم قضائی مؤثر واقع میشود و رأی قوه قضائیه را تغییر میدهد چرا ؟ برای اینکه مطبوعات نماینده افکار عمومی هستند شما چند تا روزنامه را که از حدود صلاحیت خود خارج شده اند و برخلاف حیثیت و شرف بحیثیت و شرف اشخاص توهین کرده اند ملاک قرار ندهید آنها را باید مثل يك دزدی دستشانرا گرفت و داد بمحکمه و آنها را باید طرز صف روزنامه نویسه ها خارج کرد آنها جزو مطبوعات نیستند مطبوعات يك اهمیت و مقام خاصی دارد مطبوعات يك مقام بلندی دارد مقام شامخی دارد که نباید تضعیف بشود این را باید در نظر بگیرید تمام مستبدین دنیا و تمام آلهائی که میخواهند حقوق ملت را غصب کنند اول از همه از مطبوعات میترسند پس باید با کمال عقل و با کمال

پختگی و متانت این مسئله را در نظر بگیرید و اهمیت مطبوعات فراموش نکنید و سعی کنید که مطبوعات را آنطور که صالح است و آنطوریکه شایسته است و برای مملکت مفید است درست کنید. مدتها است که يك عده از مردمان فاضل و متفکر این مملکت معتقد شده اند که مطبوعات ما خیلی افسار گسیخته اند (صحیح است) و از نقطه نظر آن کسانی که خیلی علاقمند با آزادی و اصول حکومت ملی هستند و عشق بمشروطیت دارند معتقد شدند باینکه باید جراید محدود بیک حدودی باشند در اینکجه جراید را باید محدود کرد بیک حدود قانونی در این هیچ شبهه ای نیست (صحیح است) يك مثل برای شما می آورم اگر از توی جیب شما يك تسیح پنج تومانی بدزدند شما او را تسلیم بمحکمه میکنید که این آدم دزدی کرده است اینطور نیست؟ (صحیح است) خوب اشخاص زیادی در جامعه هستند که بحیثیات و شرافت خودشان بیشتر از پول علاقمند هستند خیلی هستند عده زیادی هستند اغلب مردم اینطورند که پول را میخواهند ولی يك عده زیادی هم هستند که شرافت و حیثیت را بیشتر دوست دارند و بیشتر میخواهند خوب با این حال چرا شرافت و حیثیت اشخاص باید دستخوش هوی و هوس و اغراض اشخاص معدودی باشد انسان صبح که از خواب پا میشود حیثیت و شرف او مورد حمله و هتاکی قرار گرفته است (صحیح است) علت این سوء نظری هم که الآن در مجلس شورای ملی یا در جامعه نسبت بمطبوعات پیدا شده است همینجور چیزها است که اعضای غیر صالح عناصر بد و باصطلاح همکار بد گیر آقایان ارباب مطبوعات افتاده است که روزنامه هارا خراب کرده و آنها را بدنام کرده والا هیچ معنی ندارد که مجلس شورای ملی اینقدر نسبت به جراید نفرت داشته باشد در صورتیکه عضو اساسی و مهم مملکت مشروطه مطبوعات است و این واضح است از روز اولی که ما آزاد شدیم بعد او قضایای شهر یور اول فحشی که روزنامه ها دادند به مجلس شورای ملی بود هر قدر ما با آنها گفتیم که یکی از بهترین مؤسسات مملکت مجلس شورای ملی است ممکنست

من بد آدمی باشم یا فلان آقا بد آدمی باشد ولی مجلس شوری نباید مورد حمله قرار گیرد صبر کنید این مجلس تمام میشود يك مجلس دیگر می آید فایده نکرد حالا مقصود چه بود يك عده مثلا از من بدشان می آمد یا از دیگری بدشان می آمد چرا بتمام مجلس فحش میدادند این نتیجه قضاوت مغرضانه و سبکی و کوچك فکری بعضی افراد است ولی مطبوعات فی حد ذاته چیز مهمی است پس نباید مطبوعات را بطرز جلف و سبک و سهل انگاری نگاه کرد واقفاً انصاف را باید در نظر بگیریم ما الان نباید طوری بکنیم که مطبوعات محدود بشود یعنی واقفاً با آنها فشار و مضیقه وارد بیاید و از طرف دیگر باید کاری هم بکنیم که مطبوعات از این کثافت کاری و انارشی که اسباب زحمت خودشان هم هست و منتهی میشود باینکه افکار عمومی با آنها بدین میشود نجات بیابند از پارسال باچند نفر از مدیران جراید صحبت کردیم. بنده یکی از کسانی هستم که پرورش یافته مطبوعات هستم یعنی نمو من از روزنامه نویسی بوده است و بعظمت این قوه اجتماعی علاقه مند هستم مع ذلك بخود من فحش دادند بناحق و ناسزا. خدا شاهد است بدون اینکه ذره ای من مستحق هیچ هتاکی ها و فحاشی ها باشم بمن فحش دادند. علت آن غرض یا کونه نظری بوده کار ندارم ولی مع ذلك من يك کلمه جوابشان ندادم و آزادی مطبوعات را ولو اینکه مستلزم حمله بخودم بود ترجیح بر محدودیت آنها میدادم حالا هم معتقد نیستم که آنها را محدود کنیم حتی يك رفیقی دارم که میگوید اگر فحش بدهند بهتر است تا اینکه محدود بشوند (صحیح است) چرا؟ میگویند برای اینکه وقتی مطبوعات محدود بشوند استبداد میاید شما باور کنید که تمام خرابی های دوره رضا شاه پهلوی در اثر عدم آزادی مطبوعات بود اگر مطبوعات را آزاد میگذاشتند که انتقاد صحیح (نه فحاشی) بشود (و در آن زمان ممکن بود این کار را کرد) انتقاد صحیح از وزارتخانه ها و اعمالشان میشد ترقیات ما خیلی زیاد میشد (صحیح است) پس بنابراین نباید مطبوعات را محدود کرد بلکه باید علت خرابی مطبوعات ما چیست باید مثل يك دانشمندی که در لابراتور نشسته است

دواها را تجزیه میکند بنشینیم واقفاً تجزیه بکنیم که واقفاً نقض در کجا است؟ بنظر من که نقض در چند چیز است یکی نقض در کمپتانس و شایستگی اخلاقی است. اما برای اخلاق يك ترمومتر معین نشده است که کی اخلاقتن خوب است کی آدم بیغرضی است و کی نیست يك شخصی سابق بنظر يك آدم خیلی خوب و خوش اخلاقی آمده است ولی وقتی روزنامه نوشته تا کسی تعرض کرده باو فحش داده پس این خیلی مشکل است که يك ترمومتر باشد برای اخلاق پس بنابراین خیال میکنم میزان را روی معلومات قرار بدهیم، البته این صحیح است که معلومات و داشتن علم تأثیر زیاد در اخلاق ندارد اشخاص تحصیل کرده فاسد الاخلاق مکرر دیده شده است آدم لیسانسه یاد کتر هم بی حیثیت خیلی دیده شده است ولی مع ذلك با سواد بودن بهتر از بی سواد بودن است و این امر مسلم است. چرا. برای اینکه خود سواد و معلومات بکفداری بآدم حیثیت میدهد بآدم سنگینی میدهد، تأثیر دارد پس میزان شایستگی را معلومات قرار بدهیم ولی تاچه پایه؟ آقایان فرمودند درجه دکترا، آقای فیاض و آقای مؤید ثابتهی پیشنهاد کردند که فقط د کترهای در فلسفه و ادبیات و حقوق حق نامه نگاری داشته باشند و قصدشان از این پیشنهاد این بود که اختیار درست بدولت داده نشود که شاید حتی به فلان لیسانسه یا د کتر ادبیات هم دلش نخواهد امتیاز بدهد قصد آقایان این بود که خود مجلس شرط روزنامه نگاری را معین کرده و هر کس واجد آن شرایط باشد دولت مجبور باشد باو امتیاز بدهد ولی این شرط خیلی سنگین است مثلاً آقای مسعودی لیسانسه نیست ولی يك روزنامه نویس خوبی است این را باور کنید روزنامه نویس خوبی است من شاید هم بهتر از او چیز بنویسم ولی او مدیر است و يك ژورنالیست خوبی است و بهتر از من است پس بنا بر این میشود فقط معلومات را میزان قرارداد و همینطور که گفته شد روزنامه نویسی يك فنی است علم نیست قریحه میخواهد تالان میخواهد يك اشخاصی این تالان را دارند، حالا برای اینکه تا درجه ای معلومات داشته باشند اینطور بنظر بنده

رسید که یکی از شرایط این باشد که لیسانسه باشد البته ممکن است کسی باشد که لیسانسه باشد و چیزی نداند اما چاره چیست لیسانس يك ترمومتر است برای معلومات لیسانس از حقوق باشد یا در ادبیات اما ممکن است اشخاصی لیسانسه نباشند ولی بهتر از يك لیسانسه مستعد نامه نگاری باشند بنابراین همانطور که پیشنهاد کرده ام اگر کسی لیسانسه نباشد امتحان مقاله نویسی بدهد دو سه موضوع اجتماعی و سیاسی پیش او میگذازند اگر از عهده بر آمد باو اجازه روزنامه نویسی بدهند. اینجا گفته شد که قصد دولت بمضیقه انداختن مطبوعات نیست و حقا هم دولت نباید تضییق کند این است که چون دولت نمی خواهد تضییق بکند پس باید اگر يك شخصی پول دارد، هیمل دارد روزنامه بنویسد، اما مقاله نویس نیست، اهل قلم نیست ولی ممکن است ژورنالیست خوبی باشد نباید محروم گردد امروز روزنامه نویسی يك امر تجارتهی است مثل يك تجارتخانه است پس او روزنامه را تاسیس میکند ولی سردیرش امضا میکند بنا بر این شرط کردم که اگر خودش اینکار نباشد میتواند يك سردیری را که صلاحیت اینکار را داشته باشد یعنی یا لیسانسه باشد یا امتحان نویسنده کی بدهد معرفی بکند و مسئولیت اینکار با سردیر میباشد. مطلب دیگر قسمت مالی است، مکرر دیده شده است که روزنامه ای بدون سرمایه مالی آمده است روزنامه نویسنده است و چون سرمایه نداشته است از روز اول هتتا کی کرده است بنده بالا تر از اینها بگویم روزنامه نویسن سراج داریم که گدائی میکرد (صحیح است) آیا این شایسته يك روزنامه نویسی است؟ پس بنا بر این باید حتماً تا بکنند درجه اشتغال مالی داشته باشد که روی يك انشائی کار بکنند شما موظف میکنید طبیب را که باید دیپلمه طب باشد؛ چرا؟ برای اینکه مردم را نکشد، و کیل حتماً باید حقوق خوانده باشد، اما روزنامه نویسی نباید سواد داشته باشد نباید سرمایه داشته باشد هیچ شرطی لازم ندارد هر کس شب از ته آتش قهر کرده می آید فردا روزنامه نویسی میشود! عرض و ناموس مردم

مجلس را نوشته است نه متن این لایحه را داشت بطوریکه صبح با آقای طوسی تلفن کردم و خواهش کردم برای من فرستادند عین این لایحه را که به مجلس داده شده تمام مذاکرات جلسه گذشته در اطراف آن بوده و اینهمه در اطراف آن جنجال شده توی روزنامه نیست مگر گفته شده دولت نمیتواند روزنامه نویس باشد، دولت نمی تواند ملک باشد دولت نمیتواند تاجر و صنعتگر باشد دولت بایستی دولت باشد، فقط باید امور مردم را منظم کند دولت نمی تواند روزنامه نویس باشد پس باید کمک کند که سایرین روزنامه بنویسند. بنده هم آن وقت ها که این روزنامه ها را توقیف کردند به آقای رئیس الوزراء پیغام فرستادم عرض کردم آقا اقلاً دو سه روزنامه را آزاد بگذارید بنگرانی افکار عمومی کمک نکنید روزنامه ها را بگذارید در بیاید برای اینکه همه روزنامه ها بدنیت من تعجب میکنم چه لزوم دارد تر و خشک را بهم بسوزانند دولت باید با کمال شجاعت پا شود بگوید این روزنامه خوب است این بد است یکی خوب است یکی بد است و همه مردم هم میدانند و میفهمند شما اگر از روی بیغرضی بگوئید من این روزنامه را باین دلیل توقیف میکنم و روزنامه خوب را هم آزاد بگذارید و با کمال صراحت دلایل خود را هم بگوئید من بشما قول میدهم که نود درصد مجلس با عقیده و کار شما همراه است. روزنامه باید حتماً در بیاید و انتقاد بکند والا نه مملکت است، نه مجلس است نه مشروطه است نه دولت! هیچکدام بدر نمی خورد! حالا پیشنهادی که بنده کردم بنظر معتدل تر از ماده پیشنهادی دولت است که از حیث تمکن مالی یک شرایط منصفانه و معتدلی برای روزنامه نویسی قرار بدهند از حیث علمی هم ایسانس یا دیپلم متوسطه را داشته باشند و با امتحان را میزان قرار دهند یک موضوع دیگری هم هست که روزنامه را خراب کرده است گرچه مربوط به ماده دوم این لایحه است ولی در این جا بدان اشاره میکنم و آن توهین به حیثیت شخصی افراد است که ما هی التماس کردیم و هی گفتیم بخرج نرفت یاد می آید همین یک ماه پیش که در سفارت افغان بودیم چند نفر از آقایان روزنامه نویسان

هم در دست اوست اساساً بینیم روزنامه یعنی چه؟ من وقتی که قلم دستم میگرم روز نامه مینویسم یعنی من یک آدمی هستم که صاحب رأی و عقیده خاصی در اداره امور مملکت یعنی من میگویم یک آدم شریف و وطن پرستی هستم که میخواهم نظارت کنم در امور دولت یعنی من کسی هستم که میخواهم افکار عمومی را نشان بدهم و اگر در افکار عمومی انحرافی باشد من او را هدایت میکنم بالاخره خودم باید یک همچو شایستگی داشته باشم یا اقلاً داعیه آنرا داشته باشم. یعنی یک کار جدی باشد، شوخی نباشد، یک سرمایه داشته باشد که بتواند وارد این کار بشود البته سرمایه را کار ندارم چقدر باشد، ممکن است یک اشخاصی با سرمایه خیلی کم وارد شوند همینطور که آقای مسعودی آقای صفوی، خود من تمام ما با سرمایه کم روزنامه نویس شدیم من وقتی که شفق سرخ را تاسیس کردم هفتصد تومان بیشتر نداشتم آقایان خیلی کمتر داشتند ولی روزنامه شان بالاخره دایر شد و کار کرد و جلو افتاد اما زیاد هم نباید سرمایه مالی را شرط قرار داد بقدر دوماه داشته باشد یا سه ماه داشته باشد کافیست یک روزنامه نویسی که روزنامه میخواهد دایر کند باید بقدر مخارج دو ماه روزنامه را داشته باشد بیش از این هم لازم ندارد اما اینطور که در لایحه بطور مجمل استطاعت مالی را شرط قرار داده است خوب نیست ممکن است ارباب قلم را در مضیقه بیندازد شاید فردا گفتند ده هزار تومان بیست هزار تومان پس شما باید یک ترتیبی اتخاذ کنید که نه سیخ بسوزد نه کباب یعنی مطبوعات داشته باشید، مطبوعاتتان هم مرتب باشد و بتوانند حوائج شمارا بر آورند واقماً این چند روزی که مطبوعات نیست (همین مطبوعاتی که شما از ناله میکنید) آدم ناراحت است مثلاً امروز آن ورقه اخبار روز را آوردند یک کلمه اخبار مجلس را نداشت تنها ابداعی که در این ورقه بکار رفته است اینست که «روز» را دو سالتیمر بالاتر از سایر حروف گذاشته اند (چندین کلا) تمام تعین و تشخیص این ورقه همین بود و امروز درش صفحه منتشر شده بود اما به صورت مذاکرات مشروح

بسیار لطف و محبتی که با من دارند دور هم جمع شدیم خواهش کردیم آقایان یک قدری ملاحظه کنید این قدر جمله باشخاص نکنید گفتند چطور میشود آخر بد میکنند گفتیم شما فقط بد کردنش را بنویسید آنها مستند بدلیل باید باشد بنده توی خانه ام هر کاری دلم می خواهد میکنم اصلاً مطبوعات برای این کار ساخته نشده است که کار بزند گاهی خصوصی مردم داشته باشد و متأسفانه دولتها از روز اول مسامحه کردند عیبش مربوط کردن از قانون هیئت منصفه است

در ماده ۷۹ قانون اساسی نوشته شده است که تقصیرات سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه باید باشد فلسفه این ماده قانون اساسی و لزوم حضور هیئت منصفه در قضایای سیاسی قضیه واضح و روشنی است و آن این است در تقصیرات سیاسی البته دولت ممکن است اعمال نفوذ بکند و مخالفین سیاسی خودش را محکوم بکند و لذا حضور هیئت منصفه را لازم دانسته اند امام مطبوعات چرا؟ برای اینکه واضعین قانون اساسی که از بس مردمان صاف و ساده لوح بودند خیال نمیکردند که مطبوعات اصلاً وارد موضوعات شخصی بشوند و حق هم داشتند برای اینکه آنها حقاً تصور میکردند علت غائی روزنامه بحث در مسائل اجتماعی است روزنامه برای این درست شده است که در امور سیاسی و در مطالبی که مربوط بمصالح مشترک مردم است وارد بحث شوند فلان روزنامه نباید بمن فحش بدهد ولی او حق دارد بگوید فلان سیاست را بد اتخاذ کردم و مضر بحال اجتماع است اما من در خانه خود چه میکنم نان و پیاز بخورم یا نان و گوشت مربوط بآنها نیست روز نامه چه حق دارد متعرض بناموس مردم بشوند! اسم زن مردم را اسم مادر مردم را ببرد! در مملکت سکه ها هم این رویه معمول نیست؟ در تمام ممالک دنیا که دمکراسی دارند مثل انگلستان مثل آمریکا ممکن نیست کسی به حیثیات شخصی افراد توهین بکند و دائماً باشخاص تعرض بکند علت غائی این است که وارد مسائل اجتماعی بشود باید در چیزهایی که مربوط بمسائل عمومی مملکت است مربوط بچیزهای مشترک مردم است بحث بکند بنا بر این گفته اند تقصیرات

مطبوعاتی هم برود به هیئت منصفه زیرا سیاسی است ولی این خیلی عجیب است که اگر آقای اعتبار امر وزمن فحش بدهند بگویند پدر سوخته بشهادت آقای دکتر طاهری و آقای مؤید احمدی بتوانم ایشانرا به محکمه جلب کنم ولی اگر همین فحش را در روزنامه چاپ کرده و ده هزار نفر خوانند بنده نتوانم او را به محکمه عادی جلب کنم حضور هیئت منصفه شرط است. اگر همین یک موضوع را صحیحاً اجرا میکردند و از فحاشی جلو گیری میشد تصدیق بفرمایند کار باینجا نمیرسد فقط یک مسئله هست و آن این است که ممکن بود وقتی که شاکی شکایت به محکمه میدهد محکمه ممکن است عقب بیندازد و امروز فردا بکند شش ماه طول بکشد و در این مدت هم مرتب روزنامه فحش بدهد واقماً اشخاص مکرر در معرض هتاک قرار گرفته و از تعقیب شخص فحاش صرف نظر کرده اند برای اینکه اگر تعقیب میکردند بیشتر فحش میخورده اند زیرا اگر شکایت نمیکردند شاید فحاش بهمان فحاش اکتفا میکرد ولی اگر قضیه بمحکمه میرفت تا محکمه میخواست احقاق حق بکند روزنامه پدرشان را در می آورد و هر روز فحش میخورند از اینرو از شکایت صرف نظر میکردند حالا در ماده دوم اشاره باین مسئله هست با آقای اعتبار هم صحبت کردیم ماده بشکل بهترین تنظیم شود و در وقتی مطرح شد بحث خواهم کرد پس بنا بر این برای اینکه مطبوعات را بایک فرمول حسابی و منظمی در حدود قانون عادلانه ای محدود بکنیم هیچکس بنظر بنده مخالف نیست (صحیح است) هیچکس هم مخالف نیست که روزنامه هم باید باشد فقط چیزی که هست ما نمیخواهیم این قانون طوری بشود که حربه ای بدست اشخاص بدهد که استفاده بکنند و مطبوعات را خفه بکنند زیرا اختناق مطبوعات با اختناق مشروطه مساوی است. (صحیح است - احسن است - احسن است)

ولیر فرهنگ - بنده خیلی خوشوقت هستم که آقای دشتی نماینده محترم که هم نماینده مجلس هستند و هم از نویسندگان مبرز و معروف ما هستند و هم اینکه هیچگونه توهین طرفداری از دولت کنونی نسبت با ایشان نمی رود با ایشان

بسیار بلیغ و فصیح خودشان تأیید فرمودند لزوم پیشنهاد این لایحه را به مجلس و تصویب آنرا تمام بیانات ایشان دال بر این بود که دولت بهیچوجه من الوجوه نظر اینکه تضییقی بمطبوعات وارد بیورد نبوده است بلکه منظور این بوده است که مقام مطبوعات را یکقدری رعایت نماید و آن احترامیکه مطبوعات باید داشته باشند رعایت بشود. در اهمیت مقام مطبوعات هیچ شکی نیست، ایشان خیلی خوب توضیح فرمودند و اینکه اینجا از طرف دولت در این قسمت توضیحات داده نشد برای این است که ما خیلی واضح میدانستیم روزنامه نویس اهمیتش از خطیب بیشتر است با اینکه میدانند آقایان خودشان اغلب خطیب هستند روزنامه نگار از خطیب مؤثرتر است و نفوذ کلمه اش بیشتر است چون اولاً عده کثیری را مخاطب قرار میدهد و ثانیاً از نظر تکرار مطلب خواهی نخواهی مطلب را در اذهان رسوخ میدهد بنده عادت داشتم باینکه روزنامه نگار را تشبیه کنم بمعلم و مربی برای اینکه همانگونه که معلم برای روشن کردن فکر کودکان و تهذیب اخلاق آنها کار میکند روزنامه نگار هم غالباً همین کار را میکند تأثیرش هم خیلی زیاد است آقایان هم غالباً میدانند که روزنامه نگار و روزنامه ها میتوانند مردم را بسمت بزرگترین خدمات و بزرگترین فداکاریها سوق بدهند و همانطور بدبختانه میشوند جامعه را بسمت بدترین جنایات ببرند بنا بر این شکی نیست که روزنامه نویسی يك شغل خیلی عالی و رفیع است، برای معلمی که عرض کردم ما يك شرایطی قائل شدیم بطور میشود برای روزنامه نگار که همان کار را دارد آن شرایط را قائل نشویم؟ بهر حال این شرایطی که اینجا نوشته شده است در قانون سابق هم چنانکه مکرر گفته شده است موجود بود. تنها کاری که دولت کرد خواست یکقدری بعقیده بنده اختیارات شورای عالی فرهنگ را محدود بکنند. اگر توجه بفرمائید در قانون شورای عالی فرهنگ هست که صلاحیت روزنامه نگاران را باید اول تشخیص بدهد، این عبارت خیلی مبهم بود، خیلی مبهم

بود که این صلاحیت چیست، این صلاحیت را خود شورای عالی فرهنگ ممکن بود با آئین نامه معین بکند ما خواستیم این کار را مجلس شورای ملی بکند کار قانون باشد (نهراچی - اما بدون حدود نمیشود) راجع بحدود آن که پیشنهاد شد يك عده گفتند ممکن مالی داشتن سرمایه برای شش ماه روزنامه باشد بعضی گفتند زیاد است بعضی گفتند کم است راجع بسرمایه علمی بعضی گفتند درجه لیسانس بعضی گفتند متوسطه بعضی گفتند درجه دکتری، تصدیق میفرمائید که يك موافقت نظری نیست راجع باین درجات هم گفته شد که ممکن است کسی درجه لیسانس داشته باشد کاغذ دستش باشد ولی سواد نداشته باشد یا قریحه روزنامه نگاری نداشته باشد ملاحظه بفرمائید آقایان نمایندگان محترم که اینها همه مورد مطالعه قرار گرفته است همه را دقت کردیم این اشکالات و ایرادات بنظرمان رسید باین جهت گفتیم يك چیز سگلی باشد درجه دکتری نگوئیم لیسانس نگوئیم بگوئیم دارای سرمایه علمی باشد بنده تصدیق میکنم که خیلی کش دار است این سرمایه علمی و اخلاقی و ممکن است از آن سوء استفاده بکنند یا اینکه نکنند این بسته باین است شما شورای عالی فرهنگتان بطور باشد اعتماد داشته باشید یا نداشته باشید، شما يك قاضی تانرا اختیار میدید که در يك امر قضائی قضاوت بکند شورای عالی فرهنگ هم از يك هیئت ده نفری که اینها هم انتخابشان شرایطی دارد همه شان دانشمند هستند همانطور که عرض کردم پنج نفر از این ده نفر از استادان هستند و پنج نفرشان از دانشمندان هستند بآنها اگر اعتماد میفرمائید بگذارید خود آنها تشخیص میدهند اگر اعتماد نمیفرمائید معین کنید علت اینکه دولت حدودی معین نکرد این بود که عرض کردم ولی اگر مجلس بخواهد حدودی را معین کند که لیسانس باشد شرط دادن امتیاز روزنامه این را دولت قبول خواهد کرد بشرط اینکه کمتر از درجه لیسانس نباشد درجه متوسطه که پیشنهاد کرده بودند کم لطفی بود برای مقام روزنامه نگاری (صحیح است) که کسی که دارای

دیپلم متوسطه باشد روزنامه نگار باشد ولی اگر حداقل را لیسانس معین بفرمائید دولت مخالفت نخواهد کرد برای سرمایه مالی هم همینطور اگر معین بفرمائید حتماً فلان مقدار داشته باشد آن هم مورد مخالفت دولت نخواهد بود بنابراین بنده تکرار میکنم که جناب آقای دشتی تأیید فرمودند لزوم این لایحه دولت را و بنده هم با ایشان موافقم که برخلاف عقیده بعضی اشخاص که میگویند بگذارید روزنامه را هر کس مینویسد بنویسد - (بعضی از نمایندگان - ابدأ - ابدأ) بی سوادها بنویسند؟ (بعضی از نمایندگان - خیر آقا - ابدأ - ابدأ) با سوادها بنویسند - بی غرضها بنویسند یا با غرضها بنویسند یا کدامها یا ناپاکان بنویسند هر که مینویسد بنویسد؟ و خود جامعه تشخیص خوب و بد را خواهد داد و قتیکه اینطور شد آتوقت جامعه روزنامه های بد را کنار خواهد زد و روزنامه های خوب را جلو خواهد کشید بنده این عقیده را ندارم چرا؟ برای اینکه علتش این است که این نظری که می فرمائید نظر صحیحی است بيك شرط و آن این است که این روزنامه بدست يك اشخاصی داده شود که رشد فکری بقدر کافی داشته باشند و شخصیت عقلانی و اخلاقی آنها درست باشد و بتواند فکر آنها میزان خوب و بد و صحیح و سقیم را تشخیص بدهد و واقف بشود (صحیح است) و قتی برای يك جامعه ای که متأسفانه بآن درجه از رشد اخلاقی و فکری نرسیده است برای روزنامه که هر کسی بخواهد بتواند بنویسد تصدیق میفرمائید که قبل از اینکه این جامعه تشخیص بدهد کمراه شده است فکریش فاسد و اخلاقیش فاسد شده است. ذوقش فاسد شده است و از این قبیل چون روزنامه ها تنها هدایت افکار نمیکنند هدایت ذوق هم میکنند و شما يك روزنامه کاریکاتورری را که يك کاریکاتور کثیف در آن کشیده میشود به بینید که این چقدر اسباب خراب کردن ذوق خوب بچه ها است (صحیح است) یا همان موضوعی که دیروز فرمودید البته خوب این نباید اینطور باشد بنده با آنکه روزنامه دیشب را که هر چند نویسنده اش ذولت نیست و يك کسی را

تعیین کرده اند که مینویسد و امتیاز دارد و مینویسد خلاصه این که در هر حال دیدم که او را بالا نوشته. روزنامه هم هادی افکار است و هم بایستی تقویت و تربیت و راهنمایی بکند ذوق اشخاص را بنابراین بنده معتقد هستم باید حدودی معین شود در خود قانون و این هم بهیچ وجه برخلاف عقیده بعضی از آقایان و صباغی این اختناق مطبوعات نیست اگر هست مجلس رأی نمیدهد اگر نیست که مجلس رأی خواهد داد اگر رأی بدهد نیست.

نراقی - چرا هست هست.

یکی از نمایندگان - پیشنهاد آقای دشتی خوانده بشود.

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی خوانده میشود.

(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقای نقابت ...

نقابت - عرض کنم بنده متأسفم از اینکه يك حقیقتی را اظهار کنم.

آقای دشتی همیشه در نطقهای اجتماعی و سیاسی که جنبه عمومی و کلی دارد کمال تفوق را دارد و بسیار خوب مطالب را ذهنی و روشن مینمایند ولی وقتی بنا باشد آقای دشتی يك قانونی را بنویسند و يك موادی را ذکر کنند آنجا است که بنده يك قدری اشکال میکنم (دشتی - خوب اصلاح کنید)

دیروز هم عرض کردم آقای دشتی تشریف نداشتند حملاتی که جرأت در آغاز دوره سیزدهم به مجلس شورای ملی کردند حدس زده میشد که بالاخره يك شدت عملی بآنها نشان داده خواهد شد (طباطبائی - این از آن بابت نیست آقا) عرض کنم حضورتان این حرفها را هم مکرر گفتیم دیروز تا حالا زیاد تکرار کردیم که هیچکس موافق نیست که با عبارات زشت و مستهجن و زننده بشخصیت و حیثیات اشخاص حمله شود این حرف هم خیلی تکرار شده است (صحیح است) (نهراچی - قانون هم داریم برای جلوگیری) بلی قانون هم داریم و مدتهاست باید جلو گیری بشود و نباید و با این موالد خاص و این قانونی که نوشته شده است تمام

آن قوانین را صعب کرده است ما قوانین سخت تری داریم آقا ما قانون داریم که اگر کسی بوسیله نطق در مجامع و ذکر در ج-راید مردم را برخلاف مشروطیت سوق بدهد بر علیه دولت سوق بدهد بر علیه مملکت سوق بدهد تا مجازات اعدام هم برای او کیفر مقرر شده است برای این کار يك همچو جرائمی آنها را دیوان جنائی باید تعقیب کند با حضور هیئت منصفه از لحاظ اینکه روزنامه آئینه افکار عمومی است و يك جرم سیاسی که از لحاظ نمایندگی یکدسته و جماعتی بیان شده است آنرا هیئت منصفه رویش رای میدهد و مثل چهار دیوار در يك قانونی محصور میباشد قانون نشر اکاذیب داریم که صراحت دارد که هر کسی برخلاف واقع عمل کند هر کس بمقامات اهانت کند هر کس بسلطنت اهانت کند بدولت و وزراء اهانت کند و کلاه در حین انجام وظیفه اهانت کند تمام این قوانین هست بحمدالله خوشبختانه بقدری کشور ما از حیث قانون قوی و غنی است که هیچ چیز کم ندارد با این حال باینها هم اکتفا نکردیم از این قانونها گذشته باز هم آمدیم و در این موقع این کار را کردیم که برداشتم تمام جرائم مطبوعاتی را که اهانت کرده بودند این را برداشتم در تحت نظر حکومت نظامی گذاشتیم که نگرانی دیگر از آن حیث هم نباشد. در قانون هیئت منصفه هم بطوری که آقای وزیر کشور دیروز تذکر دادند قضیه رفت روی صلاحیت محاکم جنحه و استثناء شد از آن قانون هیئت منصفه پیش بحثی که این جا میشود راجع به قضیه در کلیات همه موافقیم بنده و آقای دشتی و تهرانی و همه آقایان که این عقیده را دارند در کلیات مسئله باهم موافقیم و تذکراتی هم که اینجا میشود بعنوان حمله بدولت یا بعنوان تطرفداری از يك دسته ای دون دسته دیگری نیست (صحیح است) بلکه تمام قضیه از لحاظ علمی و فنی و اساسی وارد بحث میشود و همیشه اظهار این نظر را در مجالس خصوصی و در خارج هم میکردیم هیچکس این حرف را ندارد نسبت بفرده هیئت دولت مخصوصاً نسبت بر رئیس محترم دولت اساساً این نظر وجود ندارد که خدای نخواسته

این قانون برای اختناق مطبوعات و یا کشتن مطبوعات یا اساس مشروطیت باشد اگر سوء تفاهم شده است امیدواریم که رفع شود مطلب از لحاظ فنی دارد بحث می شود در مقابل این پیشنهادی که آقای دشتی تقدیم کردند بمجلس چند نکته داشت یکی اینکه سرمایه مالی محدود شود به چهار شش ماه که تعیین شده یکی دیگر سرمایه علمی که يك مقاله را آنجا تعیین کنند و بنویسند اگر از عهده بر آمدند که صلاحیتش مشخص شده اگر نتوانست يك کسی از اقوام یا طرف اعتمادش را بعنوان سر دبیر بیاورد و او را واسطه قرار بدهد ولی صلاحیت اخلاقی که از همه مهمتر است و آن صلاحیت اخلاقی است که کار را باینجا کشانیده است این هیچ ملحوظ نظر آقای دشتی در این پیشنهاد نشده است (دشتی - نمی شود آقا) و گفتند که ترمومتری برای این کار نیست که تعیین شود خیر میشود بعقیده بنده ترمومتر برای تشخیص اخلاق داشت. همان سوابق اجتماعی و خدمات عمومی بمردم است جامعه خودش مشخص است ملاحظه می فرمائید؟ عرض کنم که مثلاً آقای محمد قزوینی که لایحه ای آمده است برای اینکه ایشان استاد شوند بنده میدانم ایشان لیسانس در حقوق ندارند دیپلم دکتر هم ندارند ولی در فضل و کمال ایشان هم هیچ تردیدی نیست (صحیح است) بعضی اشخاص هستند که چون دارای آن درجه نیستند یعنی يك سنتی بدست نیاورده اند که اشخاص را متقاعد کنند سندشان همیشه در دماغشان جا گرفته و سعی کرده اند که با معلومات خودشان با دماغ خودشان همیشه سند در دست داشته باشند و در هر يك از موضوعات علمی که با آنها بمیان گذاشته شد وارد شوند و بحث کنند درست هم تشخیص بدهند بنا بر این عرض میکنم مملکت ما در ادواری شروع کرده است به تنظیم يك دیپلمهائی و يك سوابقی مخصوصاً نسبت بد کتران بنده ناچارم این تذکره را هم به آقای دکتر وزیر فرهنگ عرض کنم که مجلس شورای ملی تصویب کرد که کور دکترای حقوق را باز کنند کمیسیون بودجه هم هفتاد و پنج هزار تومان در اختیارشان

گذاشت و ایشان اصلاً نخواستند یا نتوانستند باز کنند اصلاً کسی فکر این اقدامات را نمیکند اروپا هم جنگ است و کسی نمی تواند برود آنجا تحصیل کند و سوغاتی بیاورد بنا بر این ما نداریم کور د کتران اما اشخاص فاضل اشخاص دانشمند که سر و صدائی ندارند اهل مطالعه و تحقیق هستند بسیارند و آنها شایسته اند و صلاحیت اخلاقی آنها را جامعه خوب تشخیص میدهد که بهترین ترمومترها بستش است اگر شما در يك ده دريك قلعه در يك قصبه وارد بشوید بگوئید آقا چهار نفر آدم امین میخواهم نشانتان میدهند چهار تا آدم حرف زن میخواهم نشانتان میدهند چهار تا آدم نا قولا میخواهم نشانتان میدهند پیداست سوابق اشخاص کسی که بمتانت عمل کرده با حسن نیت رفتار کرده سابقه خوب دارد و خدمت کرده است. در این پیشنهاد آقای دشتی سابقه اخلاقی هم ملحوظ نیست بنده خیال میکنم که يك کار دیگری بکنیم یعنی تصحیح بکنیم اگر آقای دشتی موافقت بکنند و تصمیمی بگیریم که شما يك آئین نامه ای برای اجرای این ماده تدوین فرمائید که این آئین نامه متضمن این نظریاتی باشد که آقایان نمایندگان اظهار کردند یعنی شش ماه سرمایه مالی و این طور چیزها را در نظر بگیرند و این نظرها و مذاکرات نمایندگان هم که تدوین شده نوشته شده و در دست هست در صورت مجلس ها هست آنها را هم قول بدهند یا يك نظامنامه برای ما تدوین بکنند آنوقت يك پیشنهادی هم دادیم که شورای عالی فرهنگ آئین نامه تدوین کنند که این آئین نامه بتصویب هیئت دولت برسد اینجا دو نظر بود یکی کمیسیون فرهنگ مجلس و کمیسیون دادگستری مجلس این دو تا نظر بکنند (تهرانچی - نظامنامه اش هم نوشته بشود) ولی آقای تهرانچی این را ممکن است که ما خارج صحبت بکنیم این نظامنامه هائیرا که ما گذراندیم منجمله نظامنامه دادگاه نظامی خوب عمل نکردیم آقا (تهرانچی - تصیر دولت بود) ولی بفر دولت خوب نمیگویم به اشخاص معین و دولت میگویم دولت هم مبعوث مجلس است بالاخره دیگر اشکال ندارد این اختیار را بگذاریم نسبت هیئت دولت که شورای عالی معارف يك آئین نامه مبنی

بر این نظریات بنویسد بدهد به هیئت دولت تصویب بکنند و اجرا بکنند منتهی بعضی نگرانی ها هم در خود شورا بود و بنده شنیدم که اعضای شورای معارف غالباً حاضر نمیشوند و اختیاراتی مینویسند و میدهند بمقام وزارت که آقای تهرانچی هم اشاره کردند اگر هم آقا بفرمائید صحیح نیست صحیح نیست برای اینکه در صورت مجلس های شورا درج شده است که آقای فلان و فلان حاضر و آقای فلان و فلان و فلان هم رأیشان را به مقام وزارت دادند این جور تنظیم شده است. این صورت مجلس ها هم هست این است که بنده در پیشنهاد قید کردم که شورای عالی فرهنگ رأی بدهد و در این موارد هیچکس لزوماً نمیدانند شورا هم حق ندارند رأی خودشان را بدیگری واگذار کنند و شورا را تکمیل کنند و نظر بدهند حالا این پیشنهادی که ما دادیم تأمین میکند تمام این نظریات را. اشکالات دیگری هم اگر دارد توی آن آئین نامه ذکر و مرتفع میشود حالا تقاضا میکنم آن پیشنهاد را قرائت بکنید که آقایان یا دولت قبول کنند رئیس - آقای دشتی.

دشتی - عرض کنم که این چیزهائی که آقای نقابت فرمودند صحیح نیست من نمیدانم چرا يك چیزی که میشود در مجلس و در خود قانون بطور صریح معین نمود مو کول بنظامنامه میشود البته منافات ندارد بنظامنامه مفصل تر مشروح تر مبسوط تر وارد بشود و البته ممکن است عبارت پیشنهاد بنده چون در حین نوشتن آن چندین نفر با من صحبت میکردند عبارتش خیلی منقح و پاکیزه نباشد ولی اصل منظور این است که خود مجلس شورای ملی تعیین بکند که استطاعت مالی و صلاحیت علمی و مالی چیست اگر این را بدست شورای فرهنگ بدهد که میزان در آن جا معلوم شود این بنظر بنده دچار اشکال میشود. چون در مجلس بهتر معلوم میشود و شورای عالی فرهنگ هم میتواند کار کند چون زمینه معلوم شد همیظنوری که آقای وزیر فرهنگ هم فرمودند صلاحیت علمی را معین میکنند و میدانند که چه کار بکنند و البته مقصود پیشنهاد بنده این است که

این صلاحیت تا يك درجه محدود بشود و آقایان نمایندگان محترم با این پیشنهاد موافقت نفرمایند منتهی اگر اصلاحی داشته باشد بعداً اصلاح نفرمایند يك چیزی هم هست که دولت پیشنهاد کرده است که تمام روزنامه نویس های فعلی هم مشمول این قانون بشوند یعنی از فردا بهر کس بخواهند امتیاز بدهند مطابق این قانون اجازه بدهند این را هم اکثر آقایان موافقت بنده مخالفتی ندارم که با آخر پیشنهاد بنده اضافه بشود.

رئیس - آقای هاشمی.

هاشمی - البته با اصل پیشنهاد آقای دشتی بنده موافقم (یکی از نمایندگان - آقا در اطراف يك پیشنهاد چند نفر صحبت میکنند؟) آقای رئیس اجازه دادند (عده از نمایندگان - نمی شود - نمی شود) بنده يك اشکالی دارم (افشار - نمی شود - نمی شود آقا) عرض میشود فقط در موضوع اینکه اگر درجه لیسانس در ادبیات داشته باشد از امتحان دادن در مقالات اجتماعی و سیاسی معاف بشود نظریه آقای دشتی اینست که فقط اگر کسی دارای لیسانس باشد از حقوق و ادبیات آنوقت از امتحان دادن مقالات اجتماعی و سیاسی معاف هستند زیرا امر مدیری روزنامه خودش يك امر تخصصی است در واقع ممکن است يك کسی نویسنده خوب و صالح باشد ولی مدیر خوبی نباشد این است که در اروپا یا در امریکا اکثر جرایم مؤسسات تجارتي است در واقع پس بهتر این است که اگر مصلحت میدانید در پیشنهاد خودتان امتحان را در هر صورت شرط بدانید برای اینکه بیست سال است که مشروطه ایران لغو شده جوانها فراموش کردند يك تعلیمات مدنی را که در مدارس بود که سه بچه ها می آموختند که مشروطه یعنی چه آنها هم حذف شد ممکن است بواسطه این در مدارس يك تحصیلی بشود والا هزار يك از اشخاص امروز نمی دانند که مشروطه یعنی چه در صورتی که امتحان را قرار بدهید اعم از سردین یا خواهانده امتیاز این نظر بنده نامین میشود چه لیسانس باشد چه نباشد امتحان را

باید بدهد امتحان را باید شرط قرار بدهیم زیرا ممکن است لیسانسیه باشد ولی مقاله نویس خوبی نباشد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده اخطار دارم این جا بمقام ریاست مطابق نظامنامه يك پیشنهادی که میشود خود پیشنهاد دهنده توضیح میدهند بعد هم بکنفر باید در اطراف حرف بزند مخالفت بکنند آقای رئیس مجلس نظامنامه را رعایت نمی فرمایند سر يك پیشنهاد آقای دشتی چندین نفر صحبت کردند توضیح دادند در صورتیکه پیشنهاد دهنده توضیح داد بکنفر هم جواب داد و اگر بنا باشد پیشنهاد هم مثل ماده باشد اصولاً مجلس ممکن نیست آنوقت يك قانونی را بگذرانید رئیس - بلی چون ماده مطرح بود دوباره ایشان اظهار کردند از این جهت اجازه داده شد (بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید) يك پیشنهادی آقای فیاض کردند که رأی گرفته نشد

ملک زاده - بنده در پیشنهاد آقای دشتی تقاضای تجزیه میکنم رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیاض وزیر فرهنگ - اولاً يك پیشنهادی شده بود که تکلیفش معلوم نشد پیشنهاد آقای فیاض بود راجع باینکه دکترا باشد اول آن را آقایان رأی بگیرند البته همانطوری که آقای وزیر کشور اظهار داشتند اگر آن را مجلس شورای ملی قبول نفرمایند دولت هم قبول خواهد کرد ولی بآن رأی گرفته نشد بعد راجع به پیشنهاد آقای دشتی باینکه جزئی اصلاح دولت موافقت میکند آن اصلاح این است که اولاً لیسانس را مطلقاً قبول نفرمایند برای اینکه خودشان هم گفتند که بکنفر ممکن است لیسانسیه باشد ولی قریحه نداشته باشد پس آن امتحان عالی العموم باشد این را اصلاح نفرمایند امتحان تخصصی هر صورت باشد اگر این را اصلاح نفرمایند (دشتی - بسیار خوب) دیگر اینکه همانطور که خودشان نوشتند قسمت آخر پیشنهادی دولت هم در ماده اول اضافه شود بنده هم موافقت میکنم

دشتی - این را هم موافقم

رئیس - اول بایستی ماده را درست کرد بعد رأی گرفت

دشتی - پیشنهاد بنده را آقای وزیر فرهنگ قبول کردند باین شرطی که شرط لیسانس را ما برداریم فقط شرط امتحان را قرار بدهیم و يك قسمت آخر ماده پیشنهادی دولت را هم اضافه بکنید و آن این است: صاحبان و مدیران و سردبیران الی آخر بنده موافقت میکنم و این جمله را هم اضافه نفرمائید.

طباطبائی - بنده اخطار نظامنامه دارم.

رئیس - آقای طباطبائی نفرمائید.

طباطبائی - عرض کنم که به بینید آقا ماده نظامنامه میگوید از بس که ما عادت کرده ایم بخارج از موضوع صحبت کردن و خارج از نظامنامه در این قضایا و مسائلی که مطرح میشود ملاحظه میفرمائید دچار چه اشکالی میشویم و پیشنهادی که بنده دادم پیشنهاد را دیروز دادم راجع بهمین مسئله بود این همینطور مانده و تکلیفش معلوم نشد الان هم میخواهند باین پیشنهاد بعنوان ماده رأی بگیرند يك پیشنهادی که با دقت نوشته شده است خودشان هم فرمودند و همین حالا نوشته اند دولت هم مطالعه نکرد.

دشتی - موضوعش دقت شده مضمونش با سرعت نوشته شده.

طباطبائی - مضمونش با سرعت نوشته شده دقت نشده این اشکال دارد آقا این جا نوشته شده که اگر مدیر روزنامه خودش سواد نداشت بایستی برود سردبیر بیاورد این خوب نیست آقا (صحیح است) این باید حذف شود. این شایسته نیست این مثل این است که بیک طیب اجازه طبابت بدهیم ولی بگوئیم اگر نتوانست دیگری جای او برود معالجه کند (یکی از نمایندگان - باید حذف بشود) عرض کنم چون بنده با آقا صحبت کردم قرار شد که به یکی از این دو نظر بنده موافقت بکنند یا در آئین نامه که تنظیم میشود دو شرط باشد یکی داشتن سرمایه مالی ۶ ماه سه ماه ۴ ماه دو ماه یا بیشتر و یکی هم سرمایه علمی. و قرار شد همین شورای عالی فرهنگ که مرجع صلاحیت دار این کار است کسی را که میخواهد امتیاز روزنامه بگیرد باید او را آنجا

بخواهد حضوراً يك مقاله فارسی بنویسد يك زمینة را آنجا بفارسی آتش کند و بنویسد اگر توانست چه بهتر حالا قضیه دکتر و لیسانس و غیره اینها برای مشکل کردن است خود آقا هم فرمودند دفتر روزنامه من حاضر است مارک روی کاغذش را يك صفحه عنوان نوشته است دکتر و لیسانسیه مارکش بیشتر از متن کاغذ است لیسانسیه در علوم در ادبیات در ریاضیات و چه و چه ولی در يك مراسله ده تا غلط انشائی و املائی دارد نه این را میشود در نظر گرفت نه آن را نه میشود از این جهت این قدر افراط و تفریط کرد و نه آن اندازه که در قانون مطبوعات قید و شرط سواد اصلاً نشده است. و هر کسی میتواند مدیر روزنامه بشود و البته این خوب نیست و این یکی از معایب قانون اساسی است. این هم يك نکته که فرمودید صحیح است برای این که قانون گذار آقا این مطلب را پیش پا افتاده میدانست. مدیر روزنامه که بکنفر آدم با سواد خواهد بود اگر سواد نداشته باشد خوب چه کار میکند. اگر اینطور میخواهید اصلاح بکنید که بنده تمکن مالی را پیشنهاد کردم شش ماه و با تجربه ای که در این کار دارم صلاح مملکت را در این میدانم که شش ماه که من میخواهم روزنامه بدهم باید سر مایه اش را داشته باشم این را هم عرض کنم این تحصیل حاصل است و دولت عمل کرده است زیرا از خود بنده از آقایان بپرسید تمکن مالی گرفته اند تصدیق کلاتری و دولت تصدیق کرده است که فلان آقا دارای تمکن مالی است. نهایت اینکه از دوره اخیر از کابینه مرحوم فروغی باینطرف که قضایا رفت روی هر چه و مرجع این اصل هم با اینکه قانونی نبود و با اینکه دولت تصمیم گرفته بود و شورای عالی فرهنگ هم تصویب کرده بود مجری بود و عملی شده بود همچنین راجع بسرمایه علمی که اطلاعات کافی میخواست و این را هم وزارت فرهنگ در آنجا يك کلاس امتحانی دائر کرده بود و اجزا هم کرده بود حالا هم خوب است که این بصورت قانونی در بیاید بنابراین باید از این دو کار يك کار را بکنند یا بگذاریم لایحه بماند و اجازه نفرمائید در کمیسیون فرهنگ مطالعه

شود (بعضی از نمایندگان - نه آقا - نه آقا) چون این ناقص است و بایستی اصلاح شود یا اینکه پیشنهاد آقای نقابت را بخوانند و ماده اول این قانون را ما رأی میدهم. ولی در خود قانون مینویسیم برای اجرای این دو ماه آئین نامه تنظیم شود و بمجلس هم بیاید و در کمیسیون معارف مطالعه شود یا با موافقت شورای عالی فرهنگ هم باشد. موافقم علی ای حال فرقی نمیکند این پیشنهاد را قبول دارم. این همان پیشنهاد است و ممکن است با این عجله و با این سرعت چیزی که از اینجا میگردد صحیح نباشد.

رئیس - آقای طوسی.

طوسی - آقای طباطبائی يك توضیحی دادند راجع به پیشنهاد خودشان و فرمودند که پیشنهاد ایشان خوانده نشده اجازه بفرمائید بنده يك توضیحی بدهم فرمایش آقای طباطبائی در وظیفه بنده نسبت بفرآقایان يك سوء تفاهمی ایجاد کرد من باید ذهن آقا را مسبوق کنم بطور کلی هر ورقه که از مقام ریاست به بنده میرسد یکی یکی بنوبه خودش و به نمره خودش میگذازم و میخوانم. تنها نظر این بود که چون آقا تبصره نوشته بودند و پیشنهاد کرده بودند با آقا عرض کردم چون تبصره است بعد از ماده خوانده میشود. اصلاح فرمودند و موقعی که اصلاح شد و به بنده برگشت موقعی بود که پیشنهاد دیگری را مشغول خواندن بودم و حالا هم اگر مایلید پیشنهادتان را بخوانم.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیاض موافقین با این پیشنهاد برخیزند. (عده ای برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد آقای دشتی.

دشتی - آن قید لیسانس ازش میافتد و حذف میشود.

اعتبار - سردبیر هم برداشته شود.

دشتی - آن قسمت سطر آخر ماده اول لایحه دولت از صاحبان بنده هم اضافه شود.

جمعی از نمایندگان - سردبیر هم برداشته شود باید برداشته شود.

کتر نمایندگان - بنده تقاضای تجزیه میکنم.

طوسی - آقا توجه بفرمائید يك پیشنهاد تجزیه رسیده است راجع به پیشنهاد آقای دشتی توجه بفرمائید پیشنهاد آقای فرامفرماتیان است که به تبصره جداگانه رأی گرفته شود.

بعضی از نمایندگان - دوباره قرائت شود.

افشار - ماده اول تکلیفش معلوم نشد.

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی دوباره خوانده میشود.

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون علاوه بر شرایط مقرر در قانون مطبوعات مصوبه ۶ محرم ۱۳۲۶ صلاحیت مالی و علمی بدستور ذیل لازم شمرده میشود: ۱ - صلاحیت روزنامه های یومیه در حدود سه ماه مخارج طبع و نشر آنها و مجله ماهیانه در حدود شش ماه و نامه های بین نامه های یومیه و ماهیانه در حدود چهار ماه.

۲ - شورای عالی فرهنگ چند موضوع اجتماعی و سیاسی را تعیین کرده و تقاضا کننده فی المجلست یکی از آن موضوعات را انتخاب کرده و در آن مقاله تهیه میکنند چنانکه از عهده برآمده بود ذیصلاحیت شناخته میشود.

دشتی - بعدش هم جمله صاحبان امتیاز الی آخر را که در آخر ماده اول پیشنهادی دولت هست اضافه نمائید و جمله از عهده برآمده بود را هم از عهده برآید بکنید.

بعضی از نمایندگان - اینها خوبست. رأی رأی.

طوسی - در آخر پیشنهاد صاحبان امتیاز و مدیران هم تا آخر ماده اول پیشنهادی دولت اضافه میشود.

وزیر فرهنگ - بنده بدبختانه متوجه میشوم که آقای دشتی در پیشنهادشان قسمتی را حذف فرمودند و آن خیلی مهم بود و موضوع صلاحیت اخلاقی بود و آقای دشتی هم خودشان در توضیح بیاناتشان (دشتی - صحیح است مهمتر از همه هست ولی وسیله نیست) تصدیق فرمودند و اینجا باید موضوع صلاحیت اخلاقی هم اضافه شود. اجازه بفرمائید یکی صلاحیت اخلاقی است و یکی دیگر که بنده با پیشنهاد ایشان کاملاً موافق هستم آن همین پیشنهاد دولت است. در آنجا گفته شده است که صلاحیت

علمی تقاضا کنندگان را شورای عالی فرهنگ تصدیق کند اینطور که فرمودند تصریح این است که بچه کیفیت تصدیق کند بفرمائید که این حق را که بشورای عالی فرهنگ میدهم این يك قدری مقام روزنامه نویس را شاید پائین بیاورد شاید بر بخورد بيك عده شاید يك عده باشند که نویسنده درجه اول باشند خود جنابعالی آیا هر قدر ذوق و میل روزنامه نویسی داشته باشید میآئید آنجا و امتحان بدهید؟ پس ما باین وسیله روزنامه نویسی را مخصوص بکعده قرار میدهم که اهمیت نمیدهند که بیایند امتحان بدهند و بکعده اشخاص هم برز درجه اول از روزنامه نگاری دست بر میدارند (صحیح است) این است که بنده از آقای دشتی تقاضا میکنم استدعا میکنم این تصریح که فرمودند و نظیر آن را در نظامنامه بکنجانبیم و آئین نامه ای که دولت تصویب میکند یا هر مقام دیگری در آن آئین نامه ما این را تصریح کنیم موافقت بفرمائید شورای عالی فرهنگ اصولاً صلاحیت علمی و اخلاقی را تشخیص بدهد و کیفیت تشخیص را بعد در آئین نامه معلوم می کنیم.

بعضی از نمایندگان - رأی رأی

رئیس - آقای لقیوانی

لقیوانی - بنده با پیشنهاد آقای دشتی کاملاً موافق هستم. بعد چون قسمت صلاحیت مورد بحث شد بنده عرض میکنم تصدیق دارم که بعضی دکتورها و لیسانسیه هائی هستند که ممکن است بی سواد باشند و بنده خودم لیسانسیه هستم و با آقای وزیر داخله هم در يك روز لیسانسیه شدیم بنده تصدیق میکنم که بنده نه مثل آقای دشتی میتوانم مقاله بنویسم و نه مثل آقای مسعودی میتوانم روزنامه را اداره کنم ولی در هر حال يك مقامی برای دیپلم باید قائل شد اگر لیسانسیه های امروزی توی شان اشخاصی هست که در يك خط چند تا غلط می نویسند تقصیر دیگران نیست آقا. و بنده عقیده ام این است که این يك توهینی است بمقامات علمی و لیسانسیه یا دکترا هیچ احتیاجی بامتحان ندارند و بنده هم هیچوقت خیال روزنامه نویسی ندارم. (بعضی از نمایندگان - رأی بگیرند)

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده تعجب میکنم که اصلاً آقای رئیس چرا توجه ندارند. يك پیشنهادی را آقای وزیر فرهنگ قبول میکنند بعد دو مرتبه تجدید میکنند

رئیس - ایشان پیشنهادشان را عوض کردند حالا باید به بینید چه چیز کسر شده و چه چیز اضافه شده

اعتبار - خوب اگر قبول ندارند رد میکنند یا پیشنهاد دیگر خوانده میشود و این را آقای رئیس اگر رعایت بفرمایند که در يك پیشنهاد يك موافق و يك مخالف صحبت بکنند این قدر مجلس معطل نمیشود (صحیح است) شما ملاحظه بفرمائید بفرمائید که اصل ماده از بین رفته است تمام آن پیشنهادها مانده است. عرض کردم که اگر پیشنهادی را قبول میکنند که مال دولت میشود آنوقت رویش صحبت میشود و اگر قبول نکرده اند که همان است و مال ماده پیشنهادی دولت میماند و رویش صحبت میشود و پیشنهاد میشود بالاخره باید تکلیفش معلوم بشود. (صحیح است)

رئیس - شما درست میفرمائید ولی مطلب را روشن نکردید باید روی کاغذ بیاید. ماده و آن رأی گرفته شود حالا هم حرف ایشان و هم حرف دولت را بگیریم میشود رأی گرفت؟ وزیر کشور - بنده تقاضا میکنم به همان ماده پیشنهادی دولت رأی گرفته شود چون دولت هم از خود آقایان است و بین دولت و آقایان هم هیچگونه تمایزی نیست و آن چیزی که پیشنهاد شده است خود آقایان کرده اند و قضایا بطور کلی روشن شده است و بنظر بنده هم از این لایحه پیشنهادی دولت بوجه احسن منظور دولت هم معلوم شده است که بهیچوجه دولت هیچ نظری ندارد و هر اندازه که میخواهید خودتان معلوم کنید ما قبول میکنیم بنا بر این جای نگرانی برای هیچکدام از آقایان نیست. يك وقتی ممکن بود نگرانی باشد که تصور بفرمائید يك وقتی يك دولتی ممکن بود در نتیجه يك وضعی با يك حالت عصبانی يك لایحه شدیدی آورده باشد. این در نظر آقایان ممکن بود يك نگرانی ایجاد کند ولی بهترین حسن نیتها را هم دولت در این

شود (بعضی از نمایندگان - نه آقا - نه آقا) چون این ناقص است و بایستی اصلاح شود یا اینکه پیشنهاد آقای نقابت را بخوانند و ماده اول این قانون را ما رأی میدهم. ولی در خود قانون مینویسیم برای اجرای این دو ماه آئین نامه تنظیم شود و بمجلس هم بیاید و در کمیسیون معارف مطالعه شود یا با موافقت شورای عالی فرهنگ هم باشد موافقم علی ای حال فرقی نمیکند این پیشنهاد را قبول دارم این همان پیشنهاد است و ممکن است با این عجله و با این سرعت چیزی که از اینجا میگذرد صحیح نباشد.

رئیس - آقای طوسی .

طوسی - آقای طباطبائی یک توضیحی دادند راجع به پیشنهاد خودشان و فرمودند که پیشنهاد ایشان خوانده نشده اجازه بفرمائید بنده یک توضیحی بدهم فرمایش آقای طباطبائی در وظیفه بنده نسبت بفرآقایان یک سوء تفاهمی ایجاد کرد من باید ذهن آقا را مسبوق کنم بطور کلی هر ورقه که از مقام ریاست به بنده میرسد یکی یکی بنوبه خودش و به امره خودش میگذارم و میخوانم. تنها نظر این بود که چون آقا تبصره نوشته بودند و پیشنهاد کرده بودند با آقا عرض کردم چون تبصره است بعد از ماده خوانده میشود. اصلاح فرمودند و موقعی که اصلاح شد و به بنده برگشت موقعی بود که پیشنهاد دیگری را مشغول خواندن بودم و حالا هم اگر مایلید پیشنهادتان را بخوانم.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیاض موافقین با این پیشنهاد برخیزند. (عده ای برخاستند) تصویب نشد. پیشنهاد آقای دشتی .

دشتی - آن قید لیسانس ازش میافتد و حذف میشود. اعتبار - سردبیر هم برداشته شود.

دشتی - آن قسمت سطر آخر ماده اول لایحه دولت از صاحبان بعد هم اضافه شود.

جمعی از نمایندگان - سردبیر هم برداشته شود باید برداشته شود.

دکتر ملکزاده - بنده تقاضای تجزیه میکنم.

علمی تقاضا کنندگان را شورای عالی فرهنگ تصدیق کند اینطور که فرمودند تصریح این است که بچه کیفیت تصدیق کند میفرمائید که این حق را که بشورای عالی فرهنگ میدهم این یک قدری مقام روزنامه نویس را شاید پائین بیاورد شاید بر بخورد بیک عده شاید یک عده باشند که نویسنده درجه اول باشند خود جنابعالی آیا هر قدر ذوق و میل روزنامه نویسی داشته باشید میآئید آنجا و امتحان بدهید؟ پس ما باین وسیله روزنامه نویسی را مخصوص یک عده قرار میدهم که اهمیت نمیدهند که بیایند امتحان بدهند و یک عده مشخص همبرز درجه اول از روزنامه نگاری دست بر میدارند (صحیح است) این است که بنده از آقای دشتی تقاضا میکنم استدعا میکنم این تصریح که فرمودند و نظیر آن را در نظامنامه بکنجانب و آئین نامه ای که دولت تصویب میکند یا هر مقام دیگری در آن آئین نامه ما این را تصریح کنیم موافقت بفرمائید شورای عالی فرهنگ اصولاً صلاحیت علمی و اخلاقی را تشخیص بدهد و کیفیت تشخیص را بعد در آئین نامه معلوم می کنیم.

بعضی از نمایندگان - رأی رأی

رئیس - آقای لیقوانی

لیقوانی - بنده با پیشنهاد آقای دشتی کاملاً موافق هستم. بعد چون قسمت صلاحیت مورد بحث شد بنده عرض میکنم تصدیق دارم که بعضی دکتورها و لیسانسیه هائی هستند که ممکن است بی سواد باشند و بنده خودم لیسانسیه هستم و با آقای وزیر داخله هم در یک روز لیسانسیه شدیم بنده تصدیق میکنم که بنده نه مثل آقای دشتی میتوانم مقاله بنویسم و نه مثل آقای مسعودی میتوانم روزنامه را اداره کنم ولی در هر حال یک مقامی برای دیلم باید قائل شد اگر لیسانسیه های امروزی توی شان اشخاصی هست که در یک خط چند تا غلط می نویسند تقصیر دیگران نیست آقا. و بنده عقیده ام این است که این یک توهینی است بمقامات علمی و لیسانسیه یا دکترا هیچ احتیاجی بامتحان ندارند و بنده هم هیچوقت خیال روزنامه نویسی ندارم. (بعضی از نمایندگان - رأی بگیری)

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده تعجب میکنم که اصلاً آقای رئیس چرا توجه ندارند. یک پیشنهادی را آقای وزیر فرهنگ قبول میکنند بعد دو مرتبه تجدید میکنند

رئیس - ایشان پیشنهادشان را عوض کردند حالا باید به بینید چه چیز کسر شده و چه چیز اضافه شده

اعتبار - خوب اگر قبول ندارند رد میکنند یا پیشنهاد دیگر خوانده میشود و این را آقای رئیس اگر رعایت بفرمایند که در یک پیشنهاد یک موافق و یک مخالف صحبت بکنند این قدر مجلس معطل نمیشود (صحیح است) شما ملاحظه بفرمائید بفرمائید که اصل ماده از بین رفته است تمام آن پیشنهادها مانده است. عرض کردم که اگر پیشنهادی را قبول میکنند که مال دولت میشود آنوقت رویش صحبت میشود و اگر قبول نکرده اند که همان است و مال ماده پیشنهادی دولت میماند و رویش صحبت میشود و پیشنهاد میشود بالاخره باید تکلیفش معلوم بشود. (صحیح است)

رئیس - شما درست میفرمائید ولی مطلب را روشن نکردید باید روی کاغذ بیاید ماده و آن رأی گرفته شود حالا هم حرف ایشان و هم حرف دولت را بگیریم میشود رأی گرفت؟ وزیر کشور - بنده تقاضا میکنم به همان ماده پیشنهادی دولت رأی گرفته شود چون دولت هم از خود آقایان است و بین دولت و آقایان هم هیچگونه تمایزی نیست و آن چیزی که پیشنهاد شده است خود آقایان کرده اند و قضایا بطور کلی روشن شده است و بنظر بنده هم از این لایحه پیشنهادی دولت بوجه احسن منظور دولت هم معلوم شده است. که بهیچوجه دولت هیچ نظری ندارد و هر اندازه که میخواهد خودتان معلوم کنید ما قبول میکنیم بنا بر این جای نگرانی برای هیچکدام از آقایان نیست. یک وقتی ممکن بود نگرانی باشد که تصور بفرمائید یک وقتی یک دولتی ممکن بود در نتیجه یک وضعی با یک حالت عصبانی یک لایحه شدیدی آورده باشد. این در نظر آقایان ممکن بود یک نگرانی ایجاد کند ولی بهترین حسن نیت را هم دولت در این

مذاکرات معلوم کرد اگر آقایان تصور میکنند که اینطور نیست در نظامنامه میگذاریم که آقایان بتوانند شرکت کنند.

نقابت - بر خلاف ماده ۶۳ است در پیشنهاد چند نفر نمی تواند صحبت کنند.

رئیس - آقای دشتی.

دشتی - عرض کنم بنده در اینجا بطور مفصل صحبت کردم و عرض کردم چون دیروز کسالت داشتم نمیخواستم. امروز هم بمجلس بیایم ولی چون چند تلفن شد که قانون مطبوعات آمده است بمجلس شورای ملی و این مستلزم این است که بیایید توی مجلس یک قدری صحبت کنید بلکه از شدت عمل کاسته شود امروز آدم عرض کردم موضوع صحبت این نیست که هر کسی یک پیشنهادی داده باشد علاقه مند به پیشنهاد خودش باشد نتیجه این کوچک فکری ها و کوچک مغزی ها این است که اصل مطلب که هدف اصلی است فراموش بشود. اصل مطلب ما این است که صلاحیت علمی را در خود این ماده بنویسیم و تأمین کنیم چرا؟ برای اینکه فرض کنید شما الان دولت خیلی خوب است اما همه دولتها که اینطور نیستند.

بیات - هیچ دولتی نمیتواند برخلاف قانون رفتار کند.

دشتی - بشورای عالی فرهنگ وقتی که دولت بگوید که یک اجازه بده آیا میتواند ندهد؟ ما مگر نمیدانید آقای بیات این جا چیزی که درست خودتان است و باید قوانین را معین کنید نمیکنید این جا باید الان محدود کنید معین کنید یک چیزی را که دولت میآورد بمجلس مجلس شورای ملی برآورد یک قانونی درست بدهد که هر کار دولت دلش بخواهد با مردم بکند آنوقت کی درست بکنند این را؟ مجلس شورای ملی باید درست بکند والا با آمدن اینجا بشستن و خندیدن و مسخره گی کردن که کار درست نمیشود آقای (نقابت) کی مسخره می کند آقای خودتان هستید که مسخره می کنید (آقا خودتان یک پیشنهاد دارید و مذاکره کردید پس تان است دیگر)

رئیس - من هم همین را میگویم پیشنهادی را که شما

دادید خوانده شد مجلس یا قبول میکند یا رد میکند اگر مجلس قبول کرد درای میگیریم

دشتی - تابحال چند نفر صحبت کردند آقا؟ بیست نفر صحبت کردند منهم بیست و یکمی هستم آقا باید صحبت کنم آقا پیشنهاد دهنده هستم. عرض کنم که مقصودم این است که در قانون مطبوعات (نقابت) آقا برخلاف نظامنامه چرا صحبت میکنید؟

دشتی - چرا چند نفر دیگر حرف زدند آقا من پیشنهاد داده ام باید حرف بزنم

نقابت - یک غلط مصحح غلط دیگر نمیشود. این برخلاف نظامنامه است

دشتی - بالاخره این لایحه ای است که دولت آورده است و پیشنهادی شده است که دولت قبول کرده است و در اطراف آن میشود صحبت کرد. بالاخره ناظم مجلس هم رئیس مجلس است آقا

نقابت - بنام طرفداری مطبوعات برخلاف مطبوعات حرف میزنید آقا! (صحیح است) پیشنهاد دیگر باید خوانده بشود (خنده نمایندگان)

دشتی - آقای وزیر فرهنگ موافقت کردند و اظهار موافقت کردند با پیشنهاد بنده.

نقابت - برخلاف نظامنامه صحبت نفرمائید. ما خارج میشویم از مجلس.

دشتی - تمام شد فرمایشات تان؟ منتهی گفتند بعضی چیزها اگر اینطور بشود بهتر است و موافقت میکنیم قبول کردم پس این تغییر و تبدیل با موافقت نظر دولت بوده است حالا اگر قبول میکنند چه بهتر و اگر قبول نمیکنند رأی بگیرد اصراری ندارم.

بعضی از نمایندگان - عده کافی نیست (همه نمایندگان)

رئیس - آقای هاشمی

ملك مدنی - آقای رئیس چرا در یک پیشنهاد چند نفر را

اجازه میدهند صحبت کنند؟ این برخلاف نظامنامه است.

هاشمی - چون قبول فرمودند آقای وزیر فرهنگ بعنوان ماده دولت شد و میشود حرف زد

وزیر فرهنگ - آقا نظر باینکه عرض کردم این قسمت اخلاقی و بعضی قسمتهای دیگر رعایت نشده بود بنده قبولی که کردم پس میگیرم. نظر دولت همان پیشنهادی است که قبلاً کرده است به پیشنهاد آقای دشتی رأی بگیرید

رئیس - پس معلوم میشود دولت بماده خودش علاقه دارد.

اعتبار - بنده متأسفانه ناچارم به آقای رئیس این موضوع را عرض کنم که مطلبی را دولت قبول کرده و مذاکرات هم کافی شده است حالا اگر پیشنهاد را میخواهید مثل ماده علیحده تلقی کنید و بیست نفر هم رویش صحبت کنند با این وضعیت کار پیشرفت نمیکند.

رئیس - آقا ماده را علیحده قبول کردند و صحبت شد

بعضی از نمایندگان - رأی رأی

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دشتی موافقین برخیزند (عده ای برخاستند) تصویب نشد.

طوسی - ده پانزده تا پیشنهاد است اگر میفرمائید آنها را بخوانم فردا آنوقت میگوئید که پیشنهادها را نخواندند. (بعضی از نمایندگان - بخوانید بخوانید)

رئیس - پیشنهاد آقای رضوی:

بنده پیشنهاد میکنم که در ذیل ماده اول جمله زیر اضافه شود: (بعضی از نمایندگان - آقای رضوی تشریف ندارند آقا) اشخاصی که از ۷ سال باینطرف مشغول انتشار روزنامه یا مجله بوده اند و فعلاً هم مجله یا روزنامه دائر دارند مشمول تجدید نظر مندرج در این ماده نخواهند بود.

بعضی از نمایندگان - آقا نیستند.

رئیس - پیشنهاد آقای مسعودی

مسعودی - پیشنهاد بنده دیگر مورد ندارد حالا

رئیس - پیشنهاد آقای هاشمی:

بنده پیشنهاد میکنم از آخر ماده از لفظ هیچکس حذف شود و بجای آن تبصره ذیل نوشته شود:

تبصره - اگر کسی دارای دو امتیاز روزنامه است و بحکم محکمه یکی از روزنامه های وی توقیف شد در مدت توقیف حق استفاده از امتیاز دیگر خود و نشر روزنامه دیگر را ندارد.

رئیس - آقای هاشمی (بعضی از نمایندگان - حق ندارد حق ندارد)

هاشمی - نظر باینکه اصل فلسفه اینست که هر نفری دارای یک امتیاز باشد و محدود کردن او یعنی چه؟ این درست مثل یک و کیلی است که محدودش بکنیم که در یک مورد بخصوصی حق دارد مداخله کند خوب وقتی صکه صلاحیتش محرز شده است برای روزنامه نگاری صلاحیت مالی و اخلاقی و علمی آمد دو امتیاز دارد اگر یکی از روزنامه هایش مورد شکایت شد و توقیف شد در مدت توقیف حق استفاده از آن روزنامه را داشته باشد اگر روزنامه اولش توقیف است حق استفاده از آن دیگری را نداشته باشد نه اینکه جلوگیری کنیم از اینکه بیک آدم صلاحیت داری دو امتیاز داده شود این نظر بنده بود.

بعضی از نمایندگان - رأی رأی

طباطبائی - آقای هاشمی مسترد کنید بهتر است.

هاشمی - چرا باید جلوگیری شوی از اینکه دارای دو امتیاز باشد آقا؟

رئیس - آقایان باید تکلیف این اشخاصی که در وسط کار بیرون میروند معین کنند

بعضی از نمایندگان - شما باید معین کنید آقا.

رئیس - به جریمه نقدی که آقایان کفایت نمیکند مکرر شده است اسباب زحمت فراهم آورده اند و سایر آقایان را اینجا منتظر گذاشته اند و رفته اند در صورتیکه

جریمه هم میشوند و بجریمه هم مقید نیستند تکلیف این کار را هم باید معلوم کنید. آقای دشتی آقای رافی آقای

امیر تیمور آقای سلطانی.

یکی از نمایندگان - آقای مهدوی.

رئیس - آقای انوار.

(انوار - عصری) نراقی - یکشنبه (رئیس آقایان چه وقت را میل دارند فردا صبح؟)

نخست وزیر - اجازه می فرمائید؟ يك کارهائی است که دولت دارد و به مجلس شورای ملی میآید آن کارها باید بگذرد مجلس یکساعت قبل از ظهر شروع میشود و يك ساعت بعد از ظهر هم آقایان وقت ناهارشان میشود و میروند پس در ظرف دو ساعت نمیشود کارها بگذرد. بعقیده بنده جلسات را عصر تعیین فرمائید که مدت جلسات بیشتر باشد و وقت زیاد تر باشد. و هیئت دولت هم از کارهای دیگرش بیکار نماند و باید يك کارهائی بکنند. ما يك لوايحي داریم که باید زودتر از مجلس بگذرد (صحیح است) لایحه همکاران دکتر میلسپو و قانون نظام وظیفه و یکی هم مسئله بودجه ها که زودتر باید تمام شود خواهشمندم جلسات را بعدر مو کول فرمائید که وقت بیشتر باشد و فرصت مذاکره در آنها بیشتر باشد که کارها این طوری نماند.

رئیس - جلسه را چه وقت تعیین کنیم؟ (بعضی از نمایندگان - فردا صبح - فردا صبح)

نقابت - شنبه عصر.

انوار - عصر امروز.

ملك مدنی - فردا که پنجشنبه است و تعطیل است و نظر جناب آقای نخست وزیر که فرمودند بعد از ظهرها باشد چون فردا روز پنجشنبه است و بعد از ظهر تعطیل است اگر موافقت فرمایند فردا صبح زودتر آقایان بیایند و جلسه بشود (صحیح است) و بعدها عصر قرار بدهیم از فردا بعد را عصر قرار میدهیم (صحیح است).

طباطبائی - فردا صبح فردا صبح (صحیح است)

رئیس - بسیا خوب اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتیه (فردا) روز پنجشنبه ۴ دی ماه ۱۳۲۱ سه ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه شور در لایحه مطبوعات.

(مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

جمعی از نمایندگان - عده برای رأی کافی نیست.

انوار - عرض بنده خیلی مختصر است این بچه های ما

مدرسه میروند خبر میدهند که مستخدمین دولت این حقوقی را که بآنها قرض داده اند آنها خیلی در سختی هستند امسال را يك کاری بکنیم تا سال دیگر. اینها از رتبه ۱ تا رتبه ۵ حقیقه در زحمت هستند. بنده میخواستم هیئت دولت را که در مجلس هستند توجه بدهم بحال این فقرا خدا شاهد است امروز روز رحم است و انصاف که بزیردستان رحم کنیم طبقه ای که ضعیف تر از تمام هستند و بار همه بر دوش آنهاست همین طبقه مستخدمین دولت هستند. آن همه طبقات بر کالای خودشان قیمتش را افزوده اند و حتی آب فروش بر آب و قیمت آب افزوده است ولی این طبقه مستخدم دولت را انصاف باید داد که خیلی بیچاره و در زحمت هستند. دو ماه آمدید حقوق قرض دادید که گرفته اند حالا این بدتر شده که چهار تومان پنجاه تومان دارند حالا بیست تومان کاهش میگیرند (نخست وزیر - در نظر است بسیار خوب بسیار خوب) این است که بنده استدعا میکنم که دولت و آقای رئیس الوزراء در این باب جداً اقدام کنند.

[۴ - معرفی آقای سپهبد احمدی بسمت

وزارت جنگ از طرف آقای نخست وزیر]

رئیس - آقای نخست وزیر فرمایشی داشتید راجع به

آقای سپهبد؟

نخست وزیر - چون آقایان حاضر نشدند عرض میکنم بمناسبت کثرت مشغله خودم مقتضی بود يك نفر دیگر برای وزارت جنگ معین شود این است که بر حسب امر همایونی آقای سپهبد احمدی را که سوابق خدمتشان مورد توجه است این سمت معرفی میکنم (صحیح است - صحیح است)

[۵ - موقع و دستور جلسه آتیه - ختم جلسه]

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه.

طباطبائی - آقا جلسه را باید فردا صبح تعیین فرمائید